

ضربات «چماقداران» بر انقلاب

ایران ادامه دارد

حوادث بعد از ظهر روز پنجشنبه ۲۲ خردادماه، حداث مسئله‌ای را که ما در صبح پنجشنبه، با صراحت و قاطعیت مطرح کرده بودیم، ثابت کرد. هشدار ما بجا بود و روز بروز هم برای سرنوشت انقلاب حیاتی‌تر میشود.

آنچه در اجدیه و اطراف آن روی داد و دانش‌اش به خیابانها و محلات هم کشید، نشان میدهد که «چماقداران» از امکانات و سازماندهی وسیعی برخوردارند. «چماقداران» اینک آشکارا به قانون اساسی، به قوه مقننه و مجلس شورای ملی، به ریاست جمهوری و قوه اجرائیه، به شهربانی و مقامات انتظامی ستی و به کمیته‌ها و سپاه پاسداران و نهادهای انتظامی که از انقلاب نشأت گرفته‌اند، اعلان جنگ داده‌اند. خطی واقعی آنست که نه این نهادها و ارگانهای انقلابی و دولتی، بلکه گروهی به قدرت چماق، متکی به نفوذهای اعلام‌نشده، و با ارتباطات مشکوک، حاکم و تعیین‌کننده جو سیاسی و روند تکاملی جامعه شوند. چنین وضعی خود انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را در معرض خطر قرار میدهد. چماق‌داری‌ها در خوزین می‌آفرینند و آشکارا پیداست که به‌عقد میکوشند تا گروهها را بچنان هم اندازد و تفرقه‌افکنی کند و در این میان اگر نام الله و اسلام هم لکه‌دار شود، چه‌بلاک. حتی در جو بوجود آمده، آنها نقاب بستی و محافظی موثرتر از همین توسل دروغین به «حزب‌الله» و سوء استفاده از حیثیت و اعتبار امام پیدا نکرده‌اند. برای آنها مهم آنست که ضربات آنها بر انقلاب، بر نیروهای انقلابی و بر وحدت نیروهای انقلاب، بر تکامل انقلاب و استحکام آن هرچه کاری‌تر باشد و از دون آنرا بفرساید و نابود کند.

ضدانقلابی بودن نهاد چماق‌داری، اینک دیگر بیکر کسی پوشیده نیست. رشد سیاسی و بلوغ مدنی مردم انقلابی بچنان رسیده است که با تجربه گردآمده، امروز دیگر هیچکس نمی‌تواند آشکارا از آن دفاع کند و آنرا رابسته بخود بداند. پس این چه نیروی است که از همه احزاب و سازمانها و گروهها برتر است، همه جرایم بی‌استثنا از آن تیری می‌جویند همه مقامات مسئول در حرف لمن و نفرین نثار آن میکنند، ولی همچنان باقی است، عمل میکنند، قربانی میکنند، خون می‌ریزند، تحریک می‌کنند، حادثه می‌آفرینند و زمینه را برای اقدامات متنوع ضدانقلاب و اقدام ناپاکی او آماده می‌کنند؛ چرا انقلاب و آنها که سکنانهای امور را بدست دارند، ریشه این مفسد بر باددهنده انقلاب را نمی‌کنند؟ آیا بی‌گیری و رویارویی در این زمینه نمی‌تواند گره‌گشای بسیاری از مسائل باشد؟ آیا برای مسئولان امور اختلال در امور اقتصادی و بی‌ثباتی در محیط سیاسی - که ثمرات مستقیم چماق‌داری است علی‌السویه است؟

روز پنجشنبه باز متأسفانه به‌قیمت زندگی یک جوان ۱۶ ساله و زخمی شدن دهها و بلکه صدها نفر، حدت و فعلیت هندارهای ما و سایر نیروهای انقلابی و مسئولان دینداره خطر چماق‌داری ظاهر شد. جامعه ما بار دیگر نتایج انقلاب خود را در خطر یک شیوه کار ضدانقلابی دید و متوجه شد که این خطر به‌یچوجه کوچک نیست و اگر مهار نشود و سرعت و با قدرت مهار نشود، میتواند انقلاب را جدا تهدید کند.

هر نیروی که حساب خود را از حساب چماق‌داران جدا می‌داند، می‌بایست جدا در عمل خواستار جلوگیری، تعقیب و سرکوب این عوامل انقلاب برآمده باشد. جدا خواستار شود که مسئولیت واقعی حفظ نظم و امنیت، به‌مقامات مأموران انتظامی، اعم از ستی و انقلابی، داده شود و از آنها مسئولیت حفظ نظم و امنیت خواسته شود. جدا خواستار پاک‌کردن عناصر ناپاب و مشکوک در درون سازمانهای دولتی و نهادهای انقلابی، که صاحب مسئولیت انتظامی هستند، باشد.

ولی آنچه دارای اهمیت درجه اول است، توجه دقیق همه مسئولان به این واقعیت است که سرپه‌اصلی چماق‌داران بر انقلاب ما وارد میشود و اختلالات اقتصادی و بی‌ثباتی سیاسی، ناشی از آن مستقیماً نظام جمهوری اسلامی ایران را تهدید می‌کند و به سلب اعتماد مردم از استحکام و قدرت و آینده آن می‌انجامد. جلوی این روند را بیدرتک با قاطعیت باید گرفت و هر کس در جهت شناسایی، تعقیب، سرکوب و ریشه‌کنی چماق‌داری عمل نکند، در اسالت انقلابی او میتوان شک کرد.

حجت الاسلام خویننی‌ها: دشمن یکی است و آن آمریکاست

بر اساس شناخت دشمن اصلی، یعنی آمریکا، بیایید نیروهای اصیل را دورهم جمع کنیم

حجت‌الاسلام موسوی خویننی‌ها روز ۱۶ خرداد در نماز وحدت مردم مشهد سخنانی ایراد کرد. نظر به اهمیت این سخنرانی ما قسمت‌هایی از آن را در این شماره نامه «مردم» چاپ می‌کنیم:

حجت‌الاسلام خویننی‌ها اظهارداشت: دشمن سخت‌درکمین است. دشمنی آمریکایک مسئله ذهنی و خیالی ازورای دریاها نیست. آمریکاهمچنانکه در تمام زمینه‌های جامعه‌ما، اقتصادی، سیاسی، نظامی، روحانی با دانشکاهی چرا اختلاف دارد؛ چرا جنگ، آید دشمن، دشمن مشترک نیست؛ آید دشمن مشترک شناخته شده نیست؛ آید امری که درین بارها با ما گوشزد نکرده است که دشمن اصلی‌ما آمریکاست؛ آید شک داریم که شیطان بزرگ آمریکاست؛ امروز بر کدام بقیه در صفحه ۲



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۵۸
پخشیه ۲۵ خرداد ۱۳۵۹ - ۱۳۵۹ - شماره ۱۵۵ ریال

موانع ساختگی را از سر راه گسترش روابط با کشورهای سوسیالیستی برداریم

ولی این اختلاف نباید به‌سطح اختلاف سیاسی ارتقاء یابد. نباید مانع از اتحاد عمل و تعاون سیاسی علیه دشمن مشترک - امپریالیسم - به سرکردگی امپریالیسم امریکایک - گردد. علاوه بر این، اختلاف ایدئولوژی اسلامی (اسلام راستین) انقلابی و نه‌اسلام امریکائی) یا ایدئولوژی سوسیالیسم علمی، بطور مده یک اختلاف فلسفی است. اگر درست است که اسلام راستین انقلابی مخالف با استعمار و در نتیجه مخالف با نظام اقتصادی - اجتماعی سرمایه‌داری است، سوسیالیسم علمی نیز خواستار لغو ریشه‌ای استعمار فرد از فرد براندازی نظام سرمایه‌داری است. بنابراین هم اسلام راستین انقلابی و هم سوسیالیسم علمی، از نظر تحولی که جامعه بشری در زمینه اقتصادی - اجتماعی میباید، دارای وجه مشترک فراوانند. به‌این دلایل ما گفته‌ایم و تکرار میکنیم که در داخل کشور، اتحاد مسلمانان راستین انقلابی و اتحاد مسلمانان انقلابی پیرو خط ضد امپریالیستی و خلقی امام، اتحاد مسلمانان طرفدار مستضعفین بر ضد مستکبرین، اتحاد مسلمانان ضد استعمار، ضد سرمایه‌داری و ضد امپریالیسم با بیرون راه سوسیالیسم علمی نه فقط ممکن، بلکه ضرورت حیاتی و تاریخی و مطمئن‌ترین رویه برای تأمین پیروزی علمی و نهایی انقلاب ایران است.

در عرصه بین‌المللی نیز چون انقلابی که در ایران زیر پرچم اسلام انجام گرفته، از لحاظ محتوای خود انقلابی است ضد امپریالیستی و انقلابی است خلقی، و چون کشورهای سوسیالیستی در نبرد تاریخی‌ساز علیه امپریالیسم، پشتیبان راستین جنبشها و انقلابهای آزادی - بختی ضد امپریالیستی هستند، پس جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در وجود کشورهای سوسیالیستی متحدین پارچا و بی‌شائبه و فرض در مبارزه علیه امپریالیسم، در مبارزه برای تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب ایران، در مبارزه برای تأمین استقلال واقعی و همه‌جانبه ایران عزیز بیاید.

مشکل دوم اینست: آیا ممکن است که کشورهای سوسیالیستی وقادار به‌جهت‌بیشی سوسیالیسم علمی، با انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران، با جمهوری اسلامی ایران، از در دشمنی وارد شوند؟ پاسخ این سؤال هم، بهمان دلایلی که ذکر شد، منفی است. ما در عمل مشاهده کرده‌ایم، که هم در بچیوجه نفع و اعتلای جنبش انقلابی ایران و هم در تمام این مدت ۱۶ ماهی که از پیروزی انقلاب ایران گذشته است، کشورهای سوسیالیستی وقادار به سوسیالیسم علمی و پیشاپیش آنها احساس جاهلیر شوروی، از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، در برابر امپریالیسم، و بویژه امپریالیسم علمی با یکدیگر اختلاف دارند،

در روزنامه «جمهوری اسلامی» (شماره‌های ۱۶ و ۲۰ خرداد) در مورد مثنی سیاسی که دولت جمهوری اسلامی ایران باید نسبت به غرب (امپریالیسم) و نسبت به (بلوک شرق) (کشورهای سوسیالیستی) اتخاذ کند، نظراتی در جملاتی چند بیان گردیده است، که جلب توجه میکند. نظر به اینکه این نظرات اساسی‌ترین مسائل مربوط به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را بر مبنای حلف و تحکیم استقلال تام و تمام کشور ما مطرح میسازد ما مقید و لازم می‌دانیم، ولو به‌اختصار، نظر خود را نسبت بدان بیان داریم.

در روزنامه «جمهوری اسلامی» چنین میخوانیم:

«... دشمنی ما با امریکایک دشمنی بنیادی است و در عین حال اگر بلوک شرق بخواهند با ما از در دشمنی وارد شوند، ما در لزوم مقابله به‌مثل تردیدی نخواهیم کرد هر چند در همه حال صلح و دوستی را دوست داریم.»

«... ما اگر چه دشمنان فراوانی داریم، ولی میتوانیم دوستانی نیز داشته باشیم. مثلا در بلوک شرق ما میتوانیم با کشورهای نالیس و یمن جنوبی بیشتر رابطه برقرار کنیم و تنگه باب‌المنذبر را بصورت طناب‌دار امپریالیسم در آوریم...»

«... توجه داشته باشیم که پرهیز ما از بلوک شرق از جهان‌بینی (اسلامی) ما نشأت میگیرد نه اینکه به‌خاطر این پرهیز بگونه‌ای ناخودآگاه و ناخواسته در دامن شیطان بزرگ، یعنی امریکای فروظلمیم، ما با امریکایک دشمنیم. دشمنی ما تا نظام کاپیتالیستی امریکایک وجود دارد، وجود خواهد داشت. ما صدها سال است که بوسیله غرب به‌زنجیر کشیده شده‌ایم... (۱) اما نمیتوانیم به‌یچ‌روی با غرب (دولتهای امپریالیستی) بویژه با امپریالیسم امریکایک وارد معامله سیاسی بشویم... در صورتیکه در مقابل جهان شرق (کشورهای سوسیالیستی) نیز ما استقلال خود را حفظ میکنیم و اگر آنها تفاهم را دوست داشته باشند، برای حلف منافع و موجودیت خود درنگ نخواهیم کرد.»

مادر جملات بالا کلمات مثنی می‌بینیم که با آن موافقیم، ولی بجا میدانیم که مطلب را بیشتر بشکافیم. برای شکافتن بیشتر مطلب باید سه مسئله عمده و اساسی را مطرح سازیم و به آنها پاسخ روشن بدهیم.

نخست این مسئله که: آیا اختلاف ایدئولوژیک باید بنیای اختلاف سیاسی قرار گیرد؟ آیا اختلاف ایدئولوژیک باید مانع از اتحاد عمل و همکاری و تعاون سیاسی علیه دشمن مشترک باشد؟ پاسخ این سؤالات منفی است. ایدئولوژی اسلامی با ایدئولوژی سوسیالیسم علمی با یکدیگر اختلاف دارند،

در صفحات بعد

پیروزی سیاست همزیستی مسالمت آمیز به سود خلق‌هاست

صفحه ۶

۷ سال از شهادت رفیق پرویز حکمت جو عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران گذشت

روزی که «پرویز» اسطوره شد...



صفحه ۳

درد ورنج فراوان و دوری از خانواده اینست زندگی کارگران ساختمانی

صفحه ۴

«بند امیر»ی‌ها دریندد...

صفحه ۵

در گرد همایی اتحادیه وسندیکاهای کارگران خاز گفته شد:

صفحه ۸

دولت باید سازمان نان بوجود آورد

صفحه ۸

۲۱ سال از شهادت رفیق علی علوی گذشت

صفحه ۷



دومین نمایشگاه رهائی از سلطه امپریالیسم در شرکت مخابرات



دومین نمایشگاه رهائی از وابستگی به امپریالیسم در شرکت مخابرات ایران دایر است. این نمایشگاه که شامل قطعاتی از صنایع مخابرات و الکترونیک است، به منظور آگاهی‌بخشی به مردم و ساخت این قطعات برقرار شده است. مسوولان شرکت مخابرات، مسئول این نمایشگاه، در گفتگویی با خبرنگار نامه مروم، در مورد هدف از برگزاری نمایشگاه گفت: «هدف اول ما جهت دادن به نیروهای است که به کارهای تکنیکی و تولیدی به کار می‌پردازند، و هدف دوم آگاهی دادن به کارگاههای داخلی برای تولید وسایل یدکی و سیستمهای مخابراتی است.»

وی در مورد هدف از برگزاری نمایشگاه و نیز تعداد قطعات عرضه شده گفت: «این نمایشگاه به صورت دائمی برگزار می‌شود و حدود ۵۰۰ تا ۶۰۰ قطعه در آن عرضه شده است.»

موانع ساختگی را از...

بقیه از صفحه ۱

یالیسم آمریکا، با قاطعیت حمایت کرده‌اند. این اتحاد شوروی است که مکرراً آمریکا را از تجاوز نظامی بایران برحذر داشته است. این اتحاد شوروی است که پیشنهاد آمریکا را در مورد تحریم و محاصره اقتصادی ایران رد کرده است. این کشورهای سوسیالیستی هستند که اعلام داشته‌اند برای نوسازی ایرانی مستقل، آماده هرگونه کمک و همکاری در تمام زمینه‌ها هستند.

بنابراین چه از نظر ماهیت نظام اقتصادی - اجتماعی، چه از نظر سیاست اصولی و اصول سیاست کشورهای سوسیالیستی و فادار به جهان‌بینی سوسیالیسم علمی، و انقلاب و جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در وجود این کشورهای سوسیالیستی متحدین راستین در مبارزه علیه امپریالیسم و تأمین استقلال کامل و رشد و ترقی و آبادی ایران داشته باشد. این فرض که ممکن است کشورهای سوسیالیستی و فادار به جهان‌بینی سوسیالیسم علمی «با ما از در دشمنی وارد شوند»، فرضی است که هرگز قابل تحقق نیست.

سومین مسئله اینست که: آیا ما در این مدتی که از انقلاب ایران می‌گذرد و در این مدتی که جمهوری اسلامی ایران برقرار شده است، اقداماتی، چنانکه شاید و باید، برای گسترش روابط با کشورهای سوسیالیستی، بویژه با اتحاد شوروی انجام داده‌ایم؟ یا تا سلف باید گفت که نه، انجام نداده‌ایم. برعکس محافل دو این ملت کوشیده‌اند اتحاد شوروی را حواره دشمن جمهوری اسلامی ایران و انقلاب ایران معرفی کنند. «شوری» کاذب مائوئیستی - امپریالیستی «دو ابر قدرت» را (که یکی از اجزای تقسیم مداخله‌جویی جهان به «سه جهان» است) به‌وقوع تبلیغ کرده‌اند. به مردم گفته‌اند و تکرار کرده‌اند که فرق چندانی بین آمریکا و اتحاد شوروی نیست، هر دو بیکیان استثمارگر و استثمارگر و دشمنان ما هستند.

این محافل نه فقط در سطح تبلیغات بر اتحاد شوروی تاخته‌اند، بلکه در سطح سیاست کار را به‌تأجبا کشانده‌اند که بر مبنای سناریوی ساختگی تبریز - مکزیک یادداشت اعتراضی به اتحاد شوروی تسلیم داشته‌اند. این محافل برای اینکه سد راه «تفاهم» بین جمهوری اسلامی ایران و اتحاد شوروی گردند، تا آنجا پیش رفته‌اند که یادداشت‌های سرسپرده آمریکا نظیر «آف‌اشاهی» کمیسیون مشترک تشکیل داده‌اند.

این محافل کمترین توجهی باین واقعیت نکرده‌اند که این «مبارزان مسلمان افغانی»، که با دولت افغانستان می‌جنگند، از طرف آمریکا، بوسیله رژیم آمریکایی ضیاءالحق، مسلح می‌شوند و با افغانستان گسیل می‌گردند. آنها چشم پوری این واقعیت بسته‌اند که این «حرکت اسلامی افغانی» از جنس همان «حزب خلق مسلمان» خودمان است. آنها هیچگاه بپردازند نگفته‌اند که «رژیم کابل» یک رژیم

علیرغم دروغ پراکنیهای خبرگزاریهای امپریالیستی، کابل آرام است

خبرگزاری باختر افغانستان می‌گوید، امپریالیستی در دربار اوضاع کابل و اطراف آن اطمینان‌بخش‌داند. باختر اعلام کرده که رسانه‌های گروهی غربی از قول ضد انقلابیون افغانی در پشاور یا کابل دروغ‌های بزرگی در باره درگیری‌های خیالی در افغانستان منتشر می‌کنند و در حالی که در سراسر کشور اجتماعات بسیار بزرگی به حمایت از اقدامات دولت انقلاب برپا می‌شود، رسانه‌های گروهی غربی دائماً از اعصاب در افغانستان گزارش منتشر می‌کنند.

اطمینان‌بخش‌کننده‌ای از امپریالیستی و بلندگوهای غربی در باره افغانستان، که عموماً از قول «مسافران» و «منابع آگاه» منتشر می‌شود، حتی بوسیله بعضی از خبرنگاران غربی نیز تکذیب شده است. از جمله خبرنگار دادو وین اعلام کرده که در اطراف کابل اوضاع آرام و عادی است و از زو خوردهایی که خبرگزاری‌های غربی در باره آن سروردا راه انداخته‌اند، اثری دیده نمی‌شود.

کارتر از امکان «تفاهم» بین آمریکا و کشورهای اسلامی دم می‌زند!

جیمی کارتر بتازگی از عاشقان سینه‌چساک اسلام - البته اسلام آمریکایی، از نوع اسلام ضیاءالحق و ملک‌خاسا لندها - شده در پیامی بنسایت هزار و چهارصدمین سال هجرت اظهار امیدواری کرده است که میان کشورهای اسلامی و آمریکا «تفاهم» بوجود آید (۱)

کارتر گفته است که در یکسال گذشته وقت زیادی را صرف آشنایی با امور اسلامی کرده و بر این عقیده است که هیچ‌گونه اختلاف‌حلی شدنی میان کشورهای اسلامی و آمریکا وجود ندارد. در مورد «تفاهم» باید گفت که کارتر و دیگر مزدوران انحصارات تنها می‌توانند با سربوردگانی از قماش ضیاءالحق‌ها، ساداتها و ملک‌خاسا لندها به توافق برسند و نه با خلق‌های مسلمان که با همه وجود خود سلطه‌چینی امپریالیسم آمریکا را احساس کرده‌اند و برای پایان دادن به این سلطه و قطع غارت و چپاول سرزمینهای خود بوسیله امپریالیسم آمریکا مبارزه را شدت می‌دهند. کارتر بهتر از هر کس دیگری میدانند که نه تنها با خلق‌های مبارز مسلمان و اسلام انقلابی از نوع اسلام‌آگاه خمینی، که قطع سلطه‌چینی امپریالیسم و رفا توده‌های زحمتکش را مسدود کرده، تهاشی نداند، بلکه برای از میان بردن آن روز و شب توطئه می‌کند.

سخنان کارتر در مورد «منافع حیاتی آمریکا» در خلیج فارس، «تفاهم» مورد نظر وی را لو می‌دهد. کارتر به‌شماره بار دیگر اعلام کرده است که برای باصلاح دفع از منافع آمریکا در خلیج فارس در مقابل «خطر خارجی» از قوه قهریه استفاده خواهد کرد.

هفته می‌دانند که تنها «خطر»ی که خلیج فارس را تهدید می‌کند، البته خطر از نظر آمریکایی‌ها، همانا مبارزه خلق‌های این منطقه برای زهابی از یوغ سلطه امپریالیسم جهانی است و تمام زوره کشیدن‌های امثال کارتر راه بجایی نمی‌برد. برخلاف تصور کارتر، اختلاف خلق‌های کشورهای اسلامی و امپریالیسم زعمانی دحل، خواهد شد، که امپریالیسم به زباله‌دانی تاریخ انداخته شود.

کنگره مسلمانان اتحاد شوروی مداخله آمریکا، چین و پاکستان در افغانستان را محکوم کرد

هشتاد و یک نفره کنگره مسلمانان جمهوری‌های ارمنستان، گرجستان و آذربایجان شوروی در شهر باکو برگزار شد. در این کنگره هیئت‌های نمایندگی اسلامی دیگر جمهوری‌های شوروی نیز شرکت داشتند. این کنگره در بیانیه‌ای از جمله از افزایش تشنج جهانی بوسیله امپریالیسم آمریکا ابراز نگرانی کرد.

در بیانیه آمده است که امپریالیسم سی دارد خود را مدافع اسلام معرفی کند، اما در همان حال علیه مردم ایران، افغانستان و دیگر ملت‌های اسلامی و فلسطینی‌ها توطئه می‌کند. در بیانیه مداخله آمریکا، چین و پاکستان در افغانستان محکوم شده است.



در کره جنوبی تروریسم برقرار است

در حالیکه سرپرندگان آمریکا در کره جنوبی فشار بر خلق می‌بازد این کشور را افزایش می‌دهد، جمهوری دموکراتیک خلق کوریا از کشورهای غیر متعهد خواست تاحمیت خود را از مبارزه مردم کره جنوبی، که برای آزادی کشور به بیگاری دشوار دست‌زده‌اند، اعلام کنند. جمهوری دموکراتیک خلق کره اعلام کرد که سرکوب مردم کره جنوبی که تازده‌ای گرفته و اوضاع در این کشور بسیار وخیم است. جمهوری دموکراتیک خلق کره اضافه کرده است که اکنون بر کره جنوبی تروریسم رسمی برقرار است و امپریالیسم هار آمریکا بی‌شماره در این تروریسم مشارکت دارد.

راهزنان امریکایی برای شرکت در تجاوز نظامی به ایران پاداشی میگیرند

امپریالیسم آمریکا با تجلیل از نظامیانی که به ایران حمله کردند، نشان میدهد که قصد دارد حملات مشابهی را تدارک ببیند. مجلس نمایندگان آمریکا با توافق آراء تصویب کرد که به این راهزنان جایزه نقدی و مدال داده شود. نمایندگان اعلام کردند که باید از موجودی حساب‌های ایران در آمریکا که بطور غیر قانونی بوسیله کارتر مسدود شده است، برای پرداخت جایزه نقدی به این راهزنان استفاده شود.

یک سوم کل پزشکان جهان در اتحاد شوروی هستند

بموجب آمارهای رسمی در اتحاد شوروی، اکنون برای هرده هزار نفر از اهالی این کشور ۳۶ پزشک وجود دارد. بدین ترتیب اکنون یک سوم کل پزشکان جهان در اتحاد شوروی خدمت می‌کنند. در حالیکه جمعیت این کشور یک شانزدهم جمعیت جهان است. این آمار می‌تواند سطح عالی بهداشت و مراقبت‌های بهداشتی در کشورهای سوسیالیستی را نشان دهد.

امپریالیسم علیه تمامیت ارضی هند توطئه می‌کند

نزدیک چاکر اهورتی، وزیر اعظم ایالت تریپورا در هند اعلام کرده که سازمان سیا بتجنیمه طلبان این ایالت کمک می‌کند. وی گفت که متوحدان بسیاری در این ایالت وجود دارد. چاکر اهورتی تأکید کرده که عوامل امپریالیسم آمریکا در هند جای اخلال در هر هسته و در سراسر ایالت فعالیت می‌کنند.

جنايات تروريست‌های افغانی علیه کودکان بیگناه در کابل هوجوی از نفرت و آزار جبار در شهر بوجود آورده است

هزاران تن از مردم کابل در اطراف بیمارستان‌های کابل قربانیان جنايات تروريست‌ها در آنها بستری هستند گرد آمدند و خوارستار مقابل قاطع با این اوباشان شدند.

تروريست‌های افغانی هفت پیش‌عده زیادی از دانش‌آموزان مدارس را با کمک گازهای سمی که از آمریکا دریافت کرده‌اند، مسموم کردند. قربانیان این گازها به نوعی بیماری خفگی‌ناک معدی دچار می‌شوند. دولت افغانستان به مردم اطمینان داده است که برای مقابله با این اقدام‌های جنایتکارانه تدابیر لازم اتخاذ شده است.

آمریکا نقش تجاوزکار بین‌المللی را بعهده گرفته است

مطبوعات هندی در آمریکا سیاست امپریالیستی هیئت حاکمه واشنگتن را افشا می‌کنند. نشریه دیوای نام‌نیوز، نوشته است که واشنگتن در اجرای اراده و خواستهای می‌تسج‌های نظامی - صنعتی آمریکا برای خودنقش «راهنما» در مسائل جهانی قائل است و تلاش دارد اراده انحصارات را بر سراسر جهان تحمیل کند. این نشریه می‌افزاید که هیئت حاکمه واشنگتن در اجرای این هدف، سیاست نظامی‌گرانه و دام‌نزد به مسابقه تسلیحاتی و ایجاد پایگاه در گوشه و کنار جهان را دنبال می‌کند و خلق‌ها را با «محاصره»، «مجازات» و «تحریم» تهدید می‌کند.

این نشریه نوشته است که مداخله آشکار واشنگتن در امور داخلی کشورهای مستقل و تلاش برای تغییر روند تاریخی، ریشه‌ای عمیق دارد و از جمله می‌توان به جنايات آمریکا در کره، ویتنام و کامبوجا اشاره کرد.

آمریکا در جنگ‌های خود با خلق‌های این کشور با شمار «هزار کشته» و ادر صحنه شده در حالی که در حقیقت هدف تحکیم موضع استراتژیک - نظامی امپریالیسم آمریکا بود. این نشریه می‌افزاید که اکنون در واشنگتن از این مسئله سخن می‌گویند که ایران و کشورهای دیگر که سیاستی بساطی و واشنگتن ندارند، «مجازات» شوند و بنابراین امپریالیسم آمریکا اکنون نقش تجاوزکار بین‌المللی را به‌عهده گرفته و سیاست‌های واشنگتن خطری جدی برای صلح است.

چرا آمریکا از ارسال مواد سمی برای تروریست‌های افغانی سخن نمی‌گوید؟!

خبرگزاری باختر افغانستان سخنان مقام‌های آمریکایی از جمله هودینک کارتر، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، در این مورد که گوید ادرش‌های هرات و قندهار حالت فوق‌العاده برقرار شده است، کذب محض خواند و اعلام کرد که نه تنها این گزارش بی‌اساس است، بلکه در ادعای هودینک کارتر در مورد شهر کابل نیز زنده‌ای حقیقت وجود ندارد.

خبرگزاری باختر اعلام کرده که اوضاع شهر کابل نیز کاملاً عادی است و تنها تروریست‌ها در چند مدرسه دست به جنایت زده و دانش‌آموزان را مسموم کرده‌اند. باختر اضافه کرده که اکنون ماهیت ادعاهای سخنگویان آمریکایی برای همه افشاده است و پرسید، چرا هودینک کارتر در مورد ارسال مواد سمی از سوی آمریکا برای تروریست‌های افغانی سخن نکرده است؟

خبرگزاری باختر اعلام کرده که داخل سیاسی اوضاعی که بی‌امون افغانستان ایجاد شده، تنها از طریق قطع مداخله خارجی در امور افغانستان و عدم ارسال سلاح و خریدار به کشور امکان‌پذیر است.

باختر تأکید کرد که مبارزه با پاندهای تروریست، تا زمانی که تروریست‌ها تسلیم اراده خلق نشوند دست از توطئه برندارند، قاطعانه ادامه می‌یابد.

در این میان، سخنان هودینک کارتر که از قول «مسافران» اعلام شد، بار دیگر نشان داده که اراجیف خبرگزاری‌های امپریالیستی در مورد افغانستان از چه منبعی سرچشمه می‌گیرد. لازم به توضیح نیست که منظور هودینک کارتر از «مسافران» درمزدافغانستان و پاکستان، همان جاسوسان سیا هستند که رهبری پاندهای مسلح افغانی را در دست دارند.

فعالیت ضد انقلاب در دشت آزادگان

بر اساس اطلاعات رسیده، عوامل ضد انقلاب در دشت آزادگان به تهدید و آذربانی دست می‌زنند. این افراد چندی پیش یکی از هواداران حزب توده ایران را ربودند و وی را مورد ضرب و شتم قرار دادند. آذربانان هوادار حزب توده ایران را تهدید کردند و به او گفتند که در صورت فروش مجدد نامه «مردم» او را خواهند کشت. ما ضمن اعتراض به این عمل ضد انقلابی، از مسئولین اس می‌خواهیم که با هشدار انقلابی، جلوگیری از ضد انقلابیون را بگیرند.

دشمن یکی است و آنهم آمریکاست...

شماست. دشمن یکی است و آن آمریکاست. این دشمن شناخته شده است، باید هر چه بیشتر به توده‌ها شناسانیم، مسئولیت مدانشجو، تودو حانی این است که نشان دهیم آمریکا چگونه با ما دشمنی می‌کند. هواپیمای این جنایتکار آذرخش به کشور ما می‌کند. باید با پوست و گوشت وجودمان او را بشناسیم. اگر خوب بشناسیم، همه اختلافاتمان از بین خواهد رفت. نه دانشجو باید بگوید هر چه دانشجو است انقلابیست و نه روحانی بگوید هر چه عامه‌پس است انقلابی است. بر اساس شناخت دشمن اصلی، یعنی آمریکا، بی‌ایقید نیروهای اصیل را در هم جیب کنیم و در هر زمینه دستی از ما با آمریکا بود، آن دست را قطع کنیم... باید دست در دست هم بدهیم تا دشمن اصلی انقلاب، دشمن اصلی بشریت، یعنی دولت آمریکادرم بشکند و این دوقش همراه با توده‌های «ملیون‌هه‌ها» به جنگ شیطان بزرگ برویم.

جنبش خلق قهرمان فلسطین از حمایت بیدریغ طبقه کارگر ایران برخوردار است.

دِهقانان می نویسند:

پیشنهاد این دهقانان در راستای انقلاب است

احتراماً به استحضار عالی میرسانم، ما کشاورزان زحمتکش مازندران، علی الخصوص شهرستان ساری، حومه فرح آباد، طبق فرمان رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی، برای خود کفایت و کوتاه نمودن دست امپریالیسم آمریکا اقدام به کاشت گندم نمودیم و تا آنجا که در توان داشتیم، بذرنگندم را یک کیلو ۲۶ ریال از شرکت تعاونی و یک کیلو ۳۰ الی ۳۵ ریال از بازار خریداری و به تمام مشکلاتی که دوسر راهمان بود، از جمله بارندگیهای بی موقع و سیل ونداشتن ابزار کار، تقریباً ۸۰ درصد از زمینهای خودمان را گندم کاشتیم، ولی امروز از طریق شرکت تعاونی

هما اعلام شد که قیمت گندم یک کیلو ۱۸ ریال از طریق دولت برای خریداری از کشاورزان با ابراهام شده است. همانطوریکه مستحض هستید این گرانی و تورم بیشتر از همه بدوش کشاورزان مستضعف و محروم سنگینی میکند و این نرخ واقعاً غیر عادلانه و باعث دلسردی کشاورزان میشود و بهیچ وجه بعد از این حاضر نخواهند شد که به این کشت حیاتی بپردازند و به کشت های دیگری که نمی توان برای این ملت بپا خاسته و از بند رسته مفید باشد، می پردازند که این طبقه در حقیقت بازاری انقلاب بحساب می آید، از آنجائی که این قشر زحمتکش هر روز قند بخاطر اینکه برای این مملکت

دردس بوجود نمی آورند، باید زیر پا له شوند؟ استدعای عاجزانه داریم در مورد نرخ گندم تجدید نظر نموده و حداقل قیمت پیشنهادی کشاورزان، که کیلویی ۲۸ ریال است ترتیب اثر داده و فرصت به خدا انقلاب داده نشود، که محصولات کشاورزان را گرانتر از قیمت معمول خریداری نموده و آنانرا نابود و باعث وابسته شدن مجدد این کشور شود.

این نامه به استاندار مازندران، اداره کل کشاورزی و اداره کل تعاون روستائی استان مازندران ارسال شده است. پیشنهاد این دهقانان بحق و شایسته توجه است، دهقانان

با کلمات خود از یک واقعت پرده بر میدارند و به مقامات مسئول هشدار می دهند که در صورت عدم قیمت گذاری عادلانه نرخ گندم، فرصتی طلایی برای خدا انقلاب فراهم نمیکرد. خدا انقلاب می تواند محصولات کشاورزی را احستکار و با زمین بردن آن ایجاد قحطی ممنوعی کند در شرایط حساس سیاسی کنونی و نیز در موقعیت فعلی، که گرانی بیادامی کند و طیف وسیعی از اقشار و طبقات محروم از گرانی بی حساب رنج می برند، باید مقامات مسئول دولتی، با اتخاذ سیاستی صحیح، مانع ادامه گرانی و نیز مانع پیدایش موقعیت های مناسب برای فعالیت خدا انقلاب شوند. به پیشنهاد این زحمتکشان توجه و با خواست آسان مواظقت کنید! ایجاد رضایت در زحمتکشان و احترام به خواست های زحمتکشان، ضمانتی است برای حفظ انقلاب!

بزرگ مالکان فارتگر، مسبب بدبختی دهقانان و عقب ماندگی دهات و پایگاه امپریالیسم جهانخواهر هستند. انقلاب ایران باید هر چه سریعتر و قاطع تر بساط بزرگ مالکی را برچیند

«بندامیر»ی هادر بند گذری به روستا

آماده باش!

دهقانان تهیدست (بی زمین و کم زمین)! آماده اجرای قانون اصلاحات ارضی باشید

دهقانان عزیز!

بزودی نمایندگان وزارت کشاورزی، اعضای کمیته های نظری و نمایندگان جهاد سازندگی وارد روستاها خواهند شد، تا قانون جدید اصلاحات ارضی را اجرا کنند.

قانون اصلاحات ارضی خونبهای مبارزانی است که در طول قرنها، در راه رسیدن زمین بددهقانان، جان سپرده اند. نتیجه آن همه نبردها و حق طلبی ها است، که همه شما انجام داده اید. محصول آنچه را که خود کاشته اید، حالا باید با دقت و با قاطعیت بدست آورید!

قانون اصلاحات ارضی نمره انقلاب بزرگ ما است و اگر بطور کامل اجرا نشود، با تحریف شود و ریشه بزرگ مالکین را نکند، انقلاب ضربه خواهد دید و به یکی از هدف های مهم و اصلی خویش نخواهد رسید.

قانون اصلاحات ارضی با دادن حق به حق دارو زمین بیکه دهقانان بی زمین و کم زمین، یک تکه گاه مهم امپریالیسم را از بین خواهد برد و شرایط را برای شکوفایی کشاورزی و زندگی انسانی و بهتر برای دهقانان فراهم خواهد ساخت.

بنابراین، سعی کنید این واپسین لحظه اجرای قانون اصلاحات ارضی، بدون آنکه خدمه و لبرنگ زر و زور بزرگ مالکان و نمایندگان امپریالیسم تالیاری داشته باشد، سپری شود. مواظب باشید که حق شما پایمال نشود و زمینداران بزرگ از پول و نفوذ و حقه بازی برای تحریف آن سوء استفاده نکنند.

دهقانان بی زمین و کم زمین! لازمست ۴ تن نماینده برای شرکت در هیئت اجرای قانون، از بین دهقانان بی زمین و کم زمین تعیین شود، تا با تالیاد حاکم شرح به عضویت هیئت درآید. مواظب باشید تا نمایندگان مالکان بزرگ، وابستگان رژیم سابق، گردانندگان حزب رستاخیز و عمال ساواک انتخاب نشوند. مواظب باشید تا نمایندگان واقعی شما به هیئت بروند و از حقوق حقه و مسلم شما دفاع کنند. مسائل، خواست ها و دشواری های خود را با نمایندگان جهاد سازندگی و پاسداران انقلابی در میان بگذارید، تا شمارا برای شرکت در هیئت مزبور راهنمایی کنند. این نهاد های انقلابی در اکثر نقاط حامی و یاور دهقانان بی زمین و کم زمین بوده اند. شما هم بآنها تکیه کنید و بآنها برای اجرای درست و قاطع قانون یاری رسانید.

دهقانان بی زمین و کم زمین!

برای این منظور پیش از همه مواظب خرمناها باشید، تا عمل ضد انقلاب، این نوکران حلقه بگوش امپریالیسم آمریکا و مالکان بزرگ، نتوانند محصول را در این شرایط انقلابی از چنگ شما بیرون آورند. برای این منظور همچنین مواظب تحریکات و خرابکاری های عمال بزرگ مالکان باشید. آنها در این لحظات ممکن است دست به تخریب بزنند و چماق داران خود را به ده نفرستند، ولی شما اگر متحد باشید و به نیروهای انقلابی سپاه پاسداران و جهاد سازندگی تکیه کنید، اربابان غارتگر هیچ غلطی نمی توانند بکنند. آنها کوچکتر از آنند که بتوانند در برابر تصمیم انقلاب واراده شما بایستند. حق با شماست و شما پیروز خواهید شد.

آماده باشید! بمتولان دولتی و نهاد های انقلابی برای اجرای هر چه سریعتر و بهتر و قاطعتر اصلاحات ارضی کمک کنید.



این نمای عمومی روستای بندامیر در نزدیکی شیراز است بازسازی روستاها و تأمین مسکن شایسته برای روستائیان از وظایف حیاتی آینده نزدیک است

این روستاست، که همساله بر اثر طغیان آب خسارات گوناگونی به دهقانان وارد می سازد. حتی گاهی اوقات برای رفت و آمد از قایق استفاده میکنند. سد «بندامیر» از سنگ و سیمان، ساخته شده و اکنون دیگر دارای استحکام لازم نیست. برای سود چستن از این منبع عظیم، یعنی رودخانه کر، چه از جهت تأمین برق و چه از جهت کشاورزی باید سدی پیشرفته تر و اصولی تر در این منطقه احداث گردد. دهقانان به صنایع دستی توجه زیاد میکنند.

زنان و دختران در این روستا به کار قالی بافی و گلیم بافی... نیز می پردازند، ولی سودجویان در شبر این گونه کسلاهای ارزشمند را به بیای ارزانی از آنان خریداری میکنند. دهقانان معتقد بودند که دولت انقلاب باید از این گونه صنایع، حمایت کند و کمکهای لازم را در اختیارشان بگذارد. زحمتکش روستا قرار دهد.

دیگر عملاً اهمیت راه مرودشت به پندامیر را، که خاکسی و ناهموار است، حس کردیم. بعلت نقش اقتصادی و رفاهی این جاده در منطقه، لازم است مسئولین راه و ترابری بکسر اسفالت و مرمت این راه باشند. بیرونی هم حل مسئله ارضی در این روستا عاجل ترین گامی است که در جهت بهبود شرایط تولید و زندگی دهقانان باید برداشته شود، و بدنبال آن، تهیه وسایل تولید و توجه به کارخانه های جنبی روستائی و نیز رسیدگی به مسائل رفاهی و زیر ساخت این روستا مدنظر قرار گیرند. یا هست خود دهقانان و با کمک جهاد سازندگی و سایر مسئولین میتوان برای پندامیری راه و تولید بیشتر و زندگی فارغ از استثمار را بوجود آورد و آنها را از پندهای اسارت و عقب ماندگی و فقر رها کنید.

در بند استعمار، در پندامیر، که به برکت پندی که قرنها پیش ساخته شده و هنوز نقش مهمی در تأمین آب مورد لزوم دارد، گندم و چند کاشته می شود و دولت برای هر هکتار زمینی که آب داده میشود، ۱۰۰ تومان دریافت میدارد. در اینجا نیز، آب را توسط پمپهای قوی از کانال به مزارع می رسانند. اما آب که مال همه مردم و کشور است و قاعدتاً مالک ندارد، سد هم که مال دولت است و ساخته شده سال پیش است. با این حال نکته جالب اینکه صاحبان پمپهای آب بیشتر همان زمین دارانند. آنها از مالکیت پمپ برای بهره کشی از دهقانان استفاده میکنند. اکثر خرده مالکان که فاقد تراکتور هستند، برای شخم زمین هایشان باید آنرا کرایه کنند. همچنین برای درزی گندم، کبابین های - برای هر هکتار ۴۰۰ تومان - کرایه می کنند. به این ترتیب صاحبان زور و زر، با داشتن پمپ و تراکتور، همچنان سفره غارت را گسترده و دهقانان زحمتکش را در بند بهره کشی و اسارت نگاه داشته اند. بعلت کشت بر رویه، پار آوری زمین روبروز کمتر می شود و در نتیجه کود شیمیائی برای افزایش بهره وری شدیداً لازم است، ولی دهقانان بهرچیز از گرانی این کالا اظهار ناراحتی می کردند. خلاصه اینکه، وقتی به این روستا میروی، بار دیگر یقین حاصل میکنی که زمین های این روستا باید بطور عادلانه به تمام ذارعین زحمتکش واگذار شود و نابرابری فاحش در روستاها از بین برده شود و وسایل تولید و پمپ آب و تراکتور و سایر ابزار در اختیار دهقانان گذاشته شود.

به هنگام گذار از روستای بندامیر، جویای وضع آموزش و بهداشت شدیم. مدرسه این روستا را، که تا کلاس سوم راهنمایی در آن تدریس میشود، نشان دادند. باید گفت که بعلت آمدن دانش آموزان دیگر روستاها به این ده، امکانات آموزشی پندامیر بایستی افزایش یابد. درمانگاه پندامیر را هم دیدیم، ولی دکتر این درمانگاه فقط هفتای ۳ روز و آنهم یکی دو ساعت به درمانگاه می آید. بعلت ماند آبها و سدی که وجود دارد، پشه زیاد است و این مسئله اهالی را آزار میدهد. درباره مسائل رفاهی پرسیدیم. پندامیر دارای حمام و آب لوله کشی است. مدتی قبل کابل برق را به روستا کشیده اند، ولی هنوز پخانه های برق نداده اند و در حقیقت روستا فاقد برق است. سبیل یکی از مشکلات دائمی

دهقانان کم زمین و بی زمین! با تشکیل کمیته های خود و با تکیه به پاسداران متعهد و افراد دلسوز جهاد سازندگی، به مسئولان دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سریعاً و بسود شما اجرا شود

پیروزی سیاست‌همزیستی مسالمت‌آمیز به سود خلق‌هاست

همزیستی مسالمت‌آمیز یکی از مسائلیست که در مرکز مباحثات حاد سیاسی و ایدئولوژیک قرار دارد. بعضی اندیشمندان و سیاستمداران راست‌گرا چنین نظری را تبلیغ میکنند که «گویا سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز فقط یک «حیله» و «تاور تاکیکی» مارکسیست‌هاست که مقصدش استوار «صودر انقلاب» است.

گروهی دیگر از لیبرال‌ها (همچنین سوسیال‌دموکرات‌ها و ریزیویست‌ها) همزیستی مسالمت‌آمیز را راهی بسوی خاموشی مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک بین سرمایه‌داری و سوسیالیسم، راهی بطرف همگرایی این دو سیستم اقتصاد قلمداد می‌کنند.

بالاخره، عده‌ای از چپ‌نمایان تلاش فراوان دارند ثابت کنند که گویا همزیستی مسالمت‌آمیز مفایر با مبارزه طبقاتی و انترناسیونالیسم سوسیالیستی است و از اشتیاق جنبش‌های انقلابی ضدامپریالیستی جلوگیری می‌کند. برای روشن شدن مسأله و مقصد این گونه تفسیر و تغییرها باید دید که همزیستی مسالمت‌آمیز چیست و چگونه بوجود آمده است؟

همزیستی مسالمت‌آمیز نوعی از مناسبات بین‌دولتی است با رژیم‌های اجتماعی مختلف است، که مبتنی بر اصول زیر باشد:

۱- خودداری از جنگ همچون وسیله حل مسائل مورد اختلاف بین دولت‌ها و کوشش برای حل آن‌ها از طریق مذاکرات،

۲- برابری حقوق، تقاضای متقابل و اعتماد بین دولت‌ها از طریق رعایت حقوق یکدیگر،

۳- عدم مداخله در امور داخلی و شناسایی حق هر خلق در انتخاب آزاد رژیم اقتصادی-اجتماعی و سیاسی خود،

۴- احترام واقعی به حق حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها،

۵- گسترش همکاری اقتصادی و فرهنگی بر اساس برابری کامل و نفع متقابل.

سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز سیاستی است که در راه استقرار و گسترش چنین سیستمی از مناسبات بین دولت‌ها، از طریق کاهش و خاتم شدن اختلاف بین‌المللی کوشش می‌کند. این سیاست پس‌رای آنستکه مناسبات «تسلط و تبعیت»، «آفتاب و بندگی» را از عرصه سیاست و زندگی بین‌المللی بزدا کند. موازنه عام دیکراتیک را، که امپریالیسم با سرسختی زیر پا می‌گذارد، تثبیت کند.

همزیستی مسالمت‌آمیز شکلی از مبارزه طبقاتی بین سوسیالیسم و سرمایه‌داری در مقیاس جهانی است، اما شکلی است ویژه، زیرا:

اولاً مبارزه، بین طبقات حاکم‌های صورت می‌گیرد که هر یک از آنها دارای قدرت دولتی هستند (نه بین طبقه حاکم مستکبر از یکسو و طبقه محکوم مستضعف از سوی دیگر). ثانیاً، تضاد بین دو سیستم اقتصادی - اجتماعی، که ذاتاً تضادی است آشتی‌ناپذیر، از سطح تضادات نظامی به سطح تضادات اقتصادی، سابقه بین سیستم‌های اجتماعی و شیوه‌های زندگی، به سیر مبارزه ایدئولوژیک منتقل می‌شود. بدین ترتیب، وحدت مبارزه و همکاری، که جنبه مشخص همزیستی مسالمت‌آمیز و منشاء تضاد داخلی آنست، نیروی محرکه دائمی جهت جستجوی راه حل نیست که تضاد نظامی را منتهی کند و برای طرفین قابل قبول باشد.

همزیستی مسالمت‌آمیز محصول واقعی گسترش نابرابری روند انقلاب سوسیالیستی جهانیست. همزیستی مسالمت‌آمیز پدیده خاص دوران ما، یعنی دوران گذار از جامعه استعماری طبقاتی به جامعه دوزخ از استثمار از جامعه سرمایه‌داری به جامعه سوسیالیستی است.

با پیدایش اولین دولت سوسیالیستی جهان در اکتبر ۱۹۱۷، همزیستی دو سیستم اقتصادی-اجتماعی عملاً واقعیت پیدا کرد.

از نظر تاریخی مسئله چنین مطرح شد که: این همزیستی چگونه باید باشد؟ امپریالیسم جهانی‌خواه با فرمول کلماسوف، نخست‌وزیر فرانسه، باین مسئله پاسخ داد: «مداخله مسلحانه و محاصره» یعنی دولت امپریالیستی تمام تلاش خود را کردند تا اولین دولت سوسیالیستی جهان را با مداخله مسلحانه و جنگ داخلی سرکوب کنند، و چون در این امر شکست خوردند، تصمیم به «محاصره کردن آن گرفتند».

اما کمونیست‌ها، با فرمان صلح لنین بدان پاسخ دادند: «برای محافظت صلح و امکان کامل کاربرد همه نیروها در راه احیای اقتصادات از همه چیز گریزناپذیر است».

(لنین، مجموعه آثار، جلد ۴۲، صفحه ۳۱۳). همه رویدادهای این شصت سال تاریخی، که از مداخلات مسلحانه و هجوم ۱۴ دولت مقتدر سرمایه‌داری آن روز علیه اولین دولت نوپسند سوسیالیستی جهان میگذرد، به‌نحوی قطع درستی و پیروزی نظریه کمونیست‌ها و بطلان و شکست تصورات امپریالیست‌ها را نشان داده است.

نظریه همزیستی مسالمت‌آمیز را لنین در مبارزه شدید با انواع گوناگون عناصر چپ افراطی (تروتسکی، بوخارین و دیگران، که امکان همزیستی مسالمت‌آمیز جمهوری سوسیالیستی با دول سرمایه‌داری را انکار می‌کردند و معتقد به «مداخله سرخ» یعنی صدور انقلاب بدیگر کشورها بودند) دفاع کرد و گسترش داد. بویژه لنین نشان داد که آشتی-ناپذیری منافع طبقاتی پرولتریای پیروز و پرولترهای جهانی نمیتواند مانع غیرقابل عبوری در سر راه استقرار مناسبات مسالمت‌آمیز بین دولت‌های سوسیالیستی و سرمایه‌داری باشد.

شکست ضدانقلاب داخلی و خارجی و ثبات وضع در کشورها و مرزهای آن، حقانیت لنین را ثابت کرد. در سال ۱۹۲۱ لنین متذکر شد که در مناسبات بین روسیه شوروی و جهان سرمایه‌داری «موازنه‌های فوق‌العاده ناپایداره ولی دوزخ‌حال موازنه» برقرار شده است (همانجا، جلد ۴۴، صفحه ۴۹۱).

جنبه فوق‌العاده ناپایدار این موازنه و درک روشن-بینانه این نکته، که باچنان تناسب نیروها، امکان تلاطمی مجدد امپریالیسم جهت سرکوب جهان نوپسند سوسیالیسم بوسیله اعمال زور کاملاً وجود دارد، حصول به «تقسیم مسالمت‌آمیز» راه، وظیفه درجه اول سیاست خارجی دولت‌شوروی کرد. دولت شوروی به انجام این وظیفه توفیق یافت و جنگ بیست سال به تأخیر انداخته شد.

نقش تأملیکه اتحاد شوروی در سرکوب فاشیسم ایفا کرد، تشکیل سیستم جهانی سوسیالیسم، فروریختن امپریالیسم، استمراری، انقلابی‌همگانی جنبش‌های رهایی‌بخش ملی به تغییرات بنیادی در عرصه جهانی منجر گردید. تناسب تازه‌ای از نیروها بوجود آمد، که برتری روزافزون سوسیالیسم جهانی بر امپریالیسم از مشخصات آنست. نیرو-بینانه این نکته، که باچنان تناسب نیروها، امکان تلاطمی مجدد امپریالیسم بوسیله اعمال زور کاملاً وجود دارد، حصول به «تقسیم مسالمت‌آمیز» راه، وظیفه درجه اول سیاست خارجی دولت‌شوروی کرد. دولت شوروی به انجام این وظیفه توفیق یافت و جنگ بیست سال به تأخیر انداخته شد.

نقش تأملیکه اتحاد شوروی در سرکوب فاشیسم ایفا کرد، تشکیل سیستم جهانی سوسیالیسم، فروریختن امپریالیسم، استمراری، انقلابی‌همگانی جنبش‌های رهایی‌بخش ملی به تغییرات بنیادی در عرصه جهانی منجر گردید. تناسب تازه‌ای از نیروها بوجود آمد، که برتری روزافزون سوسیالیسم جهانی بر امپریالیسم از مشخصات آنست. نیرو-بینانه این نکته، که باچنان تناسب نیروها، امکان تلاطمی مجدد امپریالیسم بوسیله اعمال زور کاملاً وجود دارد، حصول به «تقسیم مسالمت‌آمیز» راه، وظیفه درجه اول سیاست خارجی دولت‌شوروی کرد. دولت شوروی به انجام این وظیفه توفیق یافت و جنگ بیست سال به تأخیر انداخته شد.

های صلح امکان واقعی یافتند تا میدان فعالیت نیروهای جنگ را به نحوی اساسی متغیر کنند. بویژه آنکه، با ایجاد اسلحه هسته‌ای-شوشکی در اتحاد شوروی، تکیه امپریالیسم به جنگ جهانی هسته‌ای همچون وسیله نیل به هدفهای سیاسی غیر عملی گردید. همه اینها مقدمات گسترش چارچوبه و مضمون سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز را فراهم ساخت. نتیجه اصولی کنکره بیست حزب کمونیست اتحاد-شوروی درباره امکان پیشگیری از جنگ جهانی جدید مورد تأیید جنبش جهانی کمونیستی و کترگری قرار گرفت. در بنیاد نمایندگانی این احزاب، در سال ۱۹۶۰، تأکید گردید که با سعی متحد اردوگاه جهانی سوسیالیسم، طبقه کترگر بین‌المللی، جنبش‌های رهایی‌بخش ملی، همه کشور-هاییکه، با جنگ مخالفند و همه نیروهای صلح‌دوست می-توان جلوی جنگ جهانی را گرفت.

افتاد عمیق باین حقیقت، بنیاد فعالیت عملی اتحاد-شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و همه نیروهای هوادار صلح را تشکیل داد. امضای یک رشته قراردادها (اتحاد شوروی و لهستان با آلمان فدرال در سال ۱۹۷۰، موافقتنامه چهارجانبه درباره برلین غربی در سال ۱۹۷۱، موافقتنامه جمهوری دیکراتیک آلمان با آلمان فدرال در سال ۱۹۷۲ و چکسلواکی با آلمان فدرال در سال ۱۹۷۳ و غیره) شرایط مناسب جهت چرخش از «جنگ سرد» بسوی تنش‌زدایی و صلح را در اروپا فراهم کرد. در همین شرایط بود که پیروزیهای بزرگ جنبش‌های رهایی‌بخش ملی، مانند آزادی هندوچین، استقلال خلق‌های مستعمرات سابق بریتانیا، تحولات مهم تاریخی نظیر ورود دولت‌های زیادی به راه رشد غیر سرمایه‌داری و غیره روی داد. چندین ده کشور نوآستانه و نوپسند به نقشه‌جغرافیا اضافه شد.

تجربه تاریخی نشان میدهد که سیاست تنش‌زدایی به‌هیچوجه بمعنای سازش با وضع موجود و تضعیف مبارزه علیه امپریالیسم، استعمار و نوآستانه، علیه ظلم ملی و ستم اجتماعی نیست، بلکه برعکس، هدف این سیاست تشدید مبارزه در این سمت و ایجاد امکان برای خلق‌هاست، تا خود، بدون مداخله خارجی، درباره سرزوش خویش تصمیم بگیرند.

سوسیالیسم واقعی، که «صودر انقلاب» را مرود می-داند، به‌هیچوجه خود را از جنبش‌های رهایی‌بخش جدا نکرده و نمیکند. لنین میگفت که به انقلاب سوسیالیستی جهانی «باید کمک کرد» و همانجا میفرمود، اما «باید کمک کردن به آنرا بلد بود» (آثار، جلد ۳۵، صفحه ۳۹۶).

دیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی، لئونید برژنف، در کنگره ۲۵ حزب، در بحث مربوط به مبارزه طبقاتی و مسئله تنش‌زدایی گفت:

«در دوران کنونی، که تنش‌زدایی به واقعیتی بدل شده است، هم در جنبش جهانی کترگری و هم در میان مخالفان آن، از این مسئله سخن می‌رود که تنش‌زدایی چه تأثیری در مبارزه طبقاتی می‌بخشد. برخی از سیاستمداران پرزوا از همزیستی کمونیست‌های شوروی و مردم شوروی با مبارزه خلق‌های دیگر در راه آزادی و ترقی ابراز شکفتی می‌کنند و هیاهو براه مراندازند، این کار یاز روی ساده‌لوحی

است، و یا با احتمال قریب به یقین، کوشش عدلی برای مشوب ساختن افکار است. آخر این مطلب بعد اعلای روشن است که تنش‌زدایی و همزیستی مسالمت‌آمیز به عرصه سیاست میان دولت‌ها مربوط است... تنش‌زدایی قوانین مبارزه طبقاتی را ملغی نمیکند و نمیتواند آنرا ملغی کند یا تغییر دهد. هیچکس نمی‌تواند انتظار داشته باشد که کمونیست‌ها در محیط تنش‌زدایی با استثمار سرمایه‌داری سازگار شوند و یا انصارگران به هواداری از انقلاب برخیزند... و اما در پاسخ دناوی چپ‌نماها، که همزیستی - مسالمت‌آمیز را حتی «کمک به سرمایه‌داری» و «منجند کردن وضع اجتماعی - سیاسی موجود» جلوه میدهند، باید بگوئیم که: هر انقلابی پیش از هر چیز ره‌آورد طبیعی قانونی تکامل داخلی جامعه همین است. وانگهی، واقعیت زندگی بطلان دناوی منجند کردن را ثابت می‌کند. کفایت دگرگونی‌های انقلابی بزرگی را که طی سالهای اخیر در جهان صورت گرفته است، یادآوریم. یک کنگره تاریخی، از اختراعات حزب توده ایران، ۱۳۵۵، صفحه ۲۳-۲۴).

در شرایط همزیستی مسالمت‌آمیز امکانات امپریالیسم در صحنه جهانی برای تجاوز کاری و صودر ضدانقلاب بسندت محدود می‌شود. این واقعیتی است که ما خود اکنون شاهد آنیم. سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز مانع تلاش‌های امپریالیسم جهت حل تضادهای داخلی از راه تشدید و خاتم اوضاع بین‌المللی نمیشود و به گسترش مبارزه طبقاتی علیه سرمایه‌داری در مقیاس ملی و جهانی کمک می‌کند. در پیام خود به شرکت‌کنندگان جلسه بین‌المللی، که زیر شعار «مبارزه در راه صلح و امنیت آسیا مسئله مهم دوران ماست» برگزار میشد، برژنف متذکر شد که: «برقراری اصول همزیستی مسالمت‌آمیز میان دولت‌های دارای نظام‌های اجتماعی مختلف، پیروزی در مبارزه علیه برافروختن گانول‌های تضاد در جهان و بخاطر الهای کامیابی امر صلح و ترقی بوجود آورده و با منابع بنیادی همه کشورها از جمله کشورهای آسیا مطابقت دارد».

و هنگامیکه از دشواریهای جنبش‌های رهایی‌بخش خلق‌های آسیا علیه امپریالیسم سخن می‌گفت، افزود: «قاره آسیا در حرکت است. حرکتی که به دلیل عناد و سرسختی نیروهای جهان کین و مقاومت امپریالیسم و ارتجاع نمی‌تواند فوق‌العاده دشوار نباشد. روشن است که صلح استوار، تنش‌زدایی و مناسبات حسن همجواری برای گسترش موفقیت‌آمیز این روند شرایط مناسب ایجاد میکند». استفاده شایسته از این امکانات مساعد کننده و این شرایط مناسب، کار خود نیروهای انقلابی و جنبش‌های رهایی‌بخش ضدامپریالیستی است. باید تبدیل امکان به واقعیت را آموخت. ولذا نباید به دام نظریه‌هایی نظیر سازش در این قدرتت افتاد - نظریه‌های نادرست که ما-و-همیست‌های چینی ریاکارانه ساخته و پرداخته‌اند تا در سایه آن خود بسوی سازش واقعی با امپریالیسم جهانی‌خواه آمریکا و علیه منافع خلق‌ها پیش روند.

امپریالیسم، پس‌گردگی امپریالیسم آمریکا، نیز با مائوئیست‌ها در تضاد است. اصولی همزیستی مسالمت‌آمیز و تبعیت و انزوا به سوسیالیسم واقعی همراه و هم‌آهنگ است. زیرا آشتی ناپذیری اصولی سوسیالیسم واقعی را در عمل آزموده است، و در مقابل میل‌میل مائوئیست‌های چینی را به سازش با امپریالیسم مشاهده میکند. از محتوای ضدامپریالیستی سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز، که خیلی از خلق‌ها و جنبش‌های زمان ما بخوبی بهره‌مند شده‌اند، ما نیز در مبارزه با دشمن اصلی، امپریالیسم جهانی‌خواه آمریکا، در راه حفظ، تحکیم و پیشبرد انقلاب، آزادی و استقلال کشورمان استفاده کنیم.

حفظ و تحکیم همزیستی کارگران ایران را در جهت‌گشتن بر اساس چهارده در مبارزه بخاطر استقلال ملی، دیکراتیک، دیموکراتیک، صلح و امنیت با ضد امپریالیستی صودر و حاکمیتان ایران و انقلاب ایران است

نمایشگاه جنایات شاه مخلوع در تبریز



در آذربایجان، به‌همت فرقه دیکرات آذربایجان-سازمان حزب توده ایران در آذربایجان، در هندهین ساتگرد قیام ۱۵ خرداد، نمایشگاه عکسی از جنایات شاه‌مخلوع بعد از کودتا و هفته‌خوبین ۱۵ خرداد، در تبریز برگزار شد. این نمایشگاه که مدت چندروز ادامه داشت با استقبال مردم شهر تبریز روبرو شد.

تلا در برهمن داشته می‌چرخد نواض ایمنی هستند و به‌جاست که پیش از آن... وزارت کار برای حصول اطمینان بازی کرد و بخصوص، همانطور که به‌رحال مسئولین کارخانه‌ها از حمایت این موازن، کام‌های عملی و مطمئنی بردارد. قبل از وقوع باید کرد.

عاملان جنایت سینما رکن آبادان را تعقیب و مجازات کنید

رویدادهای ایران فعالیت دیگری از «سیا»

تزدیک به دو سال از فاجعه سینتارکس آبادان میگذرد. رژیم سفک وضد مردمی پهلوی در اوج مبارزات مرد ایران، با دست زدن به این جنایت هولناک بار دیگر پرده ازچهره کره خود درید. پس از گذشت ۱۵ ماه از انقلاب شکوهمند ایران، بازماندگان قربانیان این فاجعه یکبار دیگر رسیدگی به پرونده این جنایت وحشتناک را طلب کرده‌اند. این تاجیزترین خواست داغدیدگانی است که هر یک عزیز یازمنزانی را در این فاجعه از دست رده‌اند، اما تاسفانه شاهد آن هستیم که مقامات مسئول باینخواست برحق این جگر سوختگان با بی‌توجهی بسر خورد می‌کنند. طبیعت انقلاب را در آگاه‌های انقلاب ایجاب می‌کند همانطور که دیگر عاملان و مزدوران جنایتکار رژیم منفور پهلوی را به کثیر اعمال خود رساند، مجریان این جنایت رخصیانه را در برابر دیده‌گان چپانیان افشاء کنند، عاملان آن را معرفی نمایند و در دادگاه‌های انقلاب بجزای اعمالشان برسانند. خواست داغ دیدگانی که عزیزانشان را در «کوره آدسوزی آریامیری» از دست داده‌اند، خواستی است برحق و مسلانکاری

مستولین امر در این مورد، بهره‌برداری و تحریک را از ضد-پهانه‌ای برای شایعه پردازان و نفاق‌انگنان خواهد بود. رسیدگی فوری به پرونده‌های این فاجعه نه تنها فرصت‌هرگونه

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دیکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

۷ سال از شهادت رفیق پرویز حکمت جو عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران گذشت

روزی که «پرویز» اسطور ه شد...

سرود شبی که سحر نداشت

با رود می روی
خیم دره های عاصی رویش
بردست پر نوید تو جاریست

بی تاب بیدریغ شب گیسوان تو،
بر موج مهر روی سلامت ستیز تو،
صبح است و با سلام -
زورق امید می برم.

ای پاک تر ز خاک!
طوفان آرزوی توام:
پیک صد غریو:

پرواز را تو بال و پریم باش!
هان ای عروس عاشق شهر ترانه ها!

با نام حزب
با یاد خلق:
در فالهای حافظ بیم و امید تو -

گلشانه می زنم.
دست از قفس در آر!
هن در گلوئی نغمه سرای قناریات

مستانه می شوم.
سربرش از سلاسل اعصار.
و اوج گیر

بر نام انقلاب!

گفتم: نسیم را
با عطر سینه تو به رقص اندر آورم
و آن که سرای سینه تاریک و خسته را

با روشن سرود تو لختی صفا دهم!
گفتم: ولی...
کبوتر رویا

پر پر زان ز دیده نهان شد.
چشمان خسته تب وصلم
در خون نشست و

پرده شب ناتمام ماند!
امروز را
آویز دور اختر خورشیدوار تو

هم با فروغ خویش،
با شب گذاشت... رفت.
فردا مگر دوباره برآیم بکار خویش!

۵۳۳۲۵



۷ سال از شهادت یکی از بهترین فرزندان خلق ایران، یکی از قهرمانان تابناک جنبش کارگری و کمونیستی ایران، رفیق شهید پرویز حکمت جو، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، دزدیر شکنجه های وحشیانه جلاان شاه مخلوع میگردد.
۷ سال پیش در چنین روزهایی جلاان شاه مخلوع رفیق حکمت جو را، بعد از ۹ سال زندان، یاردیکر به شکنجه گاه بردند. دشمن در قامت تاور پرویز آینده شکر فانی را بیدید، که از اسماق تاریکی خوفناک آریاسری سر بر می کشید و آینده پیروزی خلق را نوید میداد. دشمن در چشمان حکمت جو شراری از آن خرم شعله ور خشم توده ای را میدید که هیچ تازیانه ای رامش نمیکرد. دشمن میخواست آن سرخسته راه که پیش هیچ زوری خم نمیشد، فرود بیاورد و آن لبان قهرمانی را به پاسخ «آری» بگشاید. پاسخ حکمت جو، مثل همه قهرمانان خلق و مثل همه دهرمان قافله بی پایان شهیدان توده ای «له» بود. دشمن همه توان خود را بکار گرفت و زیر وحشیانه ترین شکنجه ها بیکر حکمت جو را دردم خرد کرد.

درجهان سوسیالیسم

مقام اتحاد شوروی در تولید جهان و اروپا

جدول زیرمقام برخی از فرآورده ها و صنایع اتحاد جماهیر شوروی را در تولید جهان و اروپا در ۶۵ سال نشان میدهد.

Table with 3 columns for years (1947, 1947, 1947) and rows for various products like electricity, oil, gas, steel, etc., comparing production in the USSR and Europe.

۵۶ پیکره ۱۳۵۶

درجهان سرمایه داری

بیسوادی و کم سوادی در ایالات متحده امریکا

بموجب گزارشی که از سوی «شورای پژوهش کارنگی» در برکلی (کالیفرنیا) منتشر شده، بیش از یک سوم جوانان ایالات متحده آمریکا، از چنان سطح نازل آموزش همگانی «بهررمنده» میگردند، که آنها را از هرگونه امکان تکاملی محروم میسازد.

از اوج یک پهلوان اسطورهای بریز کشد. از این پس، تا ۲۵ خرداد ۱۳۵۳، نبردهای آمان رفیق حکمت جو با دشمنان در زندان ادامه پیدا کرد و در این روز رفیق حکمت جو این نبرد آخر را هم فتح کرد و بانثار خون خویش، پیمان می بندند که راه او را تا

آخرین پرواز...

نفراد سال ۵۴، رفیق حکمت جو را از زندان قصر به سلول ۱۳ بند ۴ کمیته آوردند. ابتدا نمی دانستیم زندانی سلول مجاور کیست. ولی خیلی زود، غرش رعد آسایش، در برابر دژ خیمان قدر قدرت، ما را متوجه کرد که این عقاب، ... «افسر خلبان»... «پس از ده سال شکنجه و تبعید»... به مسلخ بازگشته است. قرار نداشت. از سنگر خشم توده ای پرولتاریه محبس آتش می کرد و نگهبانان یارای کنترل او را نداشتند. شیری بود که در قفس نمی گنجید... صدایش در فضای بند می پیچید که: از آن به دیر مغنم عزیز می دارند.

پویشی و پاسخ

جلسات «پویش و پاسخ» روزهای پنجشنبه از ساعت ۴ تا ۶ بعد از ظهر در دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران تشکیل میشود.

نامه «مردم» به زبان آذربایجانی منتشر شد

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

تشکل کارگران در انجمن های صنفی (سندیگایی) ضرورت انقلاب ایران است

اخبار کارگری

دست ایادی غلامرضا پهلوی از جنگل ها کوتاه!

در جنگل های اطراف کردکوی محلی بنام مشک معدن وجود دارد. حدود ۳۰ نفر کارگر در آنجا کار می کنند. کارگران این است که به کمک ماشین های دیزلی، درختان تومنندرا از ریشه درمی آورند. آنجا کارگران بوسیله اره های برقی، درختان را بصورت قطعات کوچک و تخته درمی آورند. سپس آنها را بوسیله ماشین به کارخانه های چوب بری حمل می کنند و در آنجا تبدیل به فیبر و غیره می شود.

این طرح (جنگلداری) چندسالی است که به مورد اجراء گذارده شده است. یکی از سهامداران عمده جنگلداری کسروی غلامرضا (پدر شاه مخلوع) است. از زمانی که او فراری شده است، نماینده اش با کارها نظارت دارد.

پس از پیروزی انقلاب، جنگلداری پاهان شکل (یعنی همان نماینده و همان کارگران) منتها بدون وجود آن سهامداران می شود.

کارگران پشت از طرف کارفرما استثمار می شوند. ساعات کار آنها هیچ وجه مشخص نیست (خیلی بیش از ۸ ساعت در روز). حقوق کارگران در ماه ۲۰۰۰ ریال است. ولی به رانندگان ماهیانه ۵۰۰۰ ریال پرداخت می شود. این امر موجب می شود که رانندگان از خواست های بحق کارگران پشتیبانی نکنند و عملاً با این کار، کارفرمایان کارگران و رانندگان دودستی بوجود آورده است.

کارگران در تاریخ ۱۷ خرداد ۱۳۵۹، ضمن یک گردمایی، خواست های خود را طی قطعنامه ای به شرح زیر اعلام کردند:

- ۱- تعیین حداقل دستمزد کارگران (چون حداقل دستمزد قانونی مشخص نیست).
 - ۲- تبدیل دفترچه بیمه اجتماعی به دفترچه خدمات درمانی بر اساس سهمیه.
 - ۳- ساعات کار روزانه (چون کارگران در شرایط فعلی بیش از ۸ ساعت کار می کنند).
 - ۴- پرداخت دستمزد کافی برای یک ساعت اضافه کار.
 - ۵- تأمین لباس کار، کفش و سایر لوازم مورد نیاز کار.
 - ۶- تأمین بهداشت محیط کار.
- شایسته است مسئولین امر در قبال خودسری هایی که مستقیماً میراث سلطه خاندان جهاد پهلوی است، واکنش سریع نشان دهند و اجازه ندهند تا چون جنگل همچنان بر سر نبوت کارگران حاکم باشد.

کارگران شرکت پنگوئن شمال خواستار احقاق حقوق خود هستند

در بهمن ماه ۵۸، کارگران با فتنه و دوزخه جوراب با شرکت پنگوئن شمال نامه ای به رهبر انقلاب شکوهمند ایران، امام خمینی، فرستاده اند. در نامه، موضوع ناخوشایند محیط کار و حاکم بودن کلامزدی اشاره شده است.

در این کارگاه به هر دو زننده، تا اول فروردین ۵۸، در اژه بافتن هر جفت جوراب ۵ ریال پرداخت می شد. کارگران در روزهای تعطیل از دریافت حقوق محروم بودند و اگر روزی برق قطع می شد، کارگران حقوقی دریافت نمی کردند. مرخصی سالانه و استعلاجی در هنگام بیماری و مرخصی ایام زایمان برای خانها وجود نداشته و ندارد. ساعات کار از ۶/۵ صبح تا ۱۲ ظهر و از ۱/۵ بعد از ظهر تا ساعت ۶ تا ۷ بعد از ظهر است. ولی در فصل تابستان تا ساعت ۸ بعد از ظهر ادامه دارد. مدتی است که کارفرما به بهانه کمبود مواد خام کارخانه را تعطیل کرده است.

چندی پیش کارگران برای احقاق حقوق خود به اداره کار و امور اجتماعی رشت مراجعه کردند. در این جلسه و پیگیری اداره کار و امور اجتماعی رشت، شورای حل اختلاف رأی عادلانه ای به نفع کارگران صادر کرد. قرار شد کارفرما حقوق سال ۵۸ کارگران را بر مبنای حقوق روزانه ۵۷۵ ریال بپردازد. همچنین به کارفرما اعلام شد که حق اولاد و اضافه کاری راهم باید به کلیه کارگران پرداخت کند. کارفرما در آن جلسه اظهار داشته بود که روزانه ۵۰۰ جفت جوراب شلواری بافته می شود. در صورتیکه میانگین جوراب بافته شده (کارگران تندکار و مست کار) برای هر کارگر حدود شصت جفت است. بنابراین ۳۰ نفر کارگر کارخانه، حداقل ۱۸۰۰ جفت جوراب در روز می بافند.

کارفرما علیرغم تصمیم شورای حل اختلاف حاضر نیست که حقوق سال ۵۸ کارگران را بپردازد. کارگران عین نامه شکواییه را به استناداری و فرما نداری مومسرا و شورای انقلاب ارسال داشته اند، ولی هنوز اقدامی جهت احقاق حقوق کارگران انجام نشده است.

کارگران با فتنه و دوزخه شرکت پنگوئن شمال از مسئولین امر می خواهند که اقدامات لازم را جهت بازگشایی کارخانه بعمل آورند، تا پیش از این به امر تولید لطمه وارد نیاید و نیز بهانه ای بدست شما انقلاب داده نشود.

قوانین کار باید در کارخانه های بلور سازی پیاده شود

کارگران کارخانه های بلور سازی تهران و مومسرا در سخت ترین شرایط کار می کنند. آنها نه تنها سالیانه فداخوری ندارند، بلکه جانی هم برای اینکار وجود ندارد. آنها مجبورند برای خوردن ناهار روی گونی های کثیف و حتی روی شیشه خورده ها بنشینند. در هیچ یک از کارخانه ها حداقل دستمزد تعیین شده، در مورد کارگران شیشه و خشت کز، پرداخت نمی شود. در حالی که حداقل دستمزد در سال ۵۸ مبلغ ۵۶۷ ریال بود، کارفرما بکارگران فقط مبلغ ۳۵۰ تا ۴۰۰ ریال پرداخت می کند. کارگران بیمه نیستند و سن بیشتر کارگران کمتر از ۱۶ سال است. از تساوی حقوق زن و مرد خبری نیست. در ضمن روزهای تعطیل و جمعه ها هیچ حقوقی به کارگران تعلق نمی گیرد. روز ۲۲/۲/۵۹ عده ای از خویشان ما به سندیکای کارگران بلور سازی رفتند تا در مورد اضافه حقوق کارگران تصمیمی اتخاذ شود. پس از چند ساعت مذاکره، فقط چهار نفر از کارفرماها با پرداخت ۱۰۸ ریال اضافه حقوق موافقت کردند.

خطر! کارگران را نباید ناراضی و نومید کرد

یکی از اصلاح های سازمان گوشت، روز ۳۰ خرداد ۵۹، بنوان اعتراض به برخورد غیر مسئولانه مسئولین سازمان، خود را با چاقو، از ناحیه سر و صورت، پشت و مژگن زد. این کارگر قبلاً بصورت کار مزد در سازمان گوشت کار می کرد و رسماً و ملی نامه ای خواستار رسمی شدن شده بود، ولی با مخالفت مسئولین سازمان، اخراج شد!

این کارگر می گفت: «دزدان و فرزند نام گرسنه اند. آنها از گرسنگی می میرند. من غیر از دوازدهم در تمام دنیا نرونی ندارم. رفتم پیش مسدیر عامل، بمن می گویند: برو دزدی کن! رفتم پیش یکی از اعضای هیئت مدیره، او هم گفته مدیر عامل را نکوژ کرد. آخر چکنم؟»

بعد از یک عمر حالایاید جلوی خانواده و آشنا یانم سرافکننده باشم. مگر ما انقلاب نکردیم؟ پس چرا همان رفتار طاغوتی و همان ستمها بقوت خود باقی است؟»

نامه «مردم»، همین چند روز پیش در ارتباط با خود سوزی یک کارگر کاشی کار شیرازی، که بعنوان اعتراض به کمی دستمزد، عدم بروخوردن داری از بیمه و سایر مزایا از جان خود گذشت، نوشته شده است. با تأیید گرفتن حقوق اولیه کارگران از خطر ناراضی های موجود از خود، گفتم که راه رسیدن به حقوق طبیعی کارگران در اقدامات فردی و بیوزنه روش های منفی مبارزه نیست. کارگران جز با تشکل در انجمن های صنفی خویش (سندیگا) به حقوق خویش دست نخواهند یافت. این یک سوی مسأله بود.

جنبه دردناک و بسیار خطرناک این ماجرا اهدا و نارضایتی و نومیدی کارگران است که نشان می دهد اولاً در بسیاری از واحدهای اجتماعی کارگران و زحمتکشان بکلی با بی اعتنائی در ارضای خواست های اولیه خود مواجه می شوند، و علیرغم اقدامات رسمی و رسمی، هیچکس قدمی در جهت کمک با آنها بر نمی دارد.

ثانیاً وجود عتساری که به هیچ وجه سازش با مضمون خلقی انقلاب ماندارند، در موسسات و کارگاهها، عامل بسیار خطرناکی است که کارگران را در ناخواه ناراضی و نومید می کند.

میانگین که کارگران وظایف خود را بخوبی می شناسند و بدان عمل می کنند، ولی در برخورد با چنین عتساری که شرف آنان را به بازی می گیرند، بیم آن می رود که تبلیغات ضد انقلاب زخمیه مساعدت بیاید، ما هشدار میدهم و تکرار می کنیم که نباید کارگران را نادانستی و نومید کرد. مادر مقابل انقلاب بزرگ و دورا ن ساز خود در برابر نسل های آینده مسئولیم. آیا به عمق این مسأله توجه کرده ایم؟

درد ورنج فراوان و دوری از خانواده اینست زندگی کارگران ساختمانی



مزایا محروم هستند. روزی ۲۰۰ تومان درآمد با همسر و سه فرزند، زندگی کردن ساده نیست، ولی روی پرته این پناه، بیاطل مهربان در کارهای مختلف نسبت به کارگران ساده از حقوق بیشتری برخوردارند.

باز با همگفتگو می بینیم، تا زود در راه رنجها و مشقات فراوانی که می کنند، بیشتر با خبر شویم. تا سر صحبت ربابا آنها باز می کشی، خوششان زود می میرند، چه می خواهی بدانی؟ تمام آنچه را که بر دل وزندگی شان می گذرد، بر زبان می رانند. انسانهایی چنان والا، مهربان و ساده هستند که می خواهی در برابر این خصولتهای انسانی با ارزش آنها تعظیم کنی.

اکثریت آنها دهقان بودماند و بر اثر نداشتن زمین و نبودن امکانات کار، ترک دیار و خانواده کرده اند و به شهرها، برای یافتن کار، کوچ کرده اند. در کارهای ساختمانی بنوع کارگر ساده مشغول کار شده اند. زن و بچه بیشتر آنها در روستا زندگی می کنند. و خود آنها در شهرها کار و زندگی می کنند و گاه گاهی نیز سری به آنها می زنند.

دریاض به این منوال که: چند سال است کارگری، قلاب چکار می کردی و حالا از دولت چه انتظاری داری؟ کارگری می گوید:

«من ۱۵ سال است که کارگر ساختمانی هستم سر عائله، روزی ۹۵ تومان مزد می گیرم. خانه هم ندارم. در تهران مستاجریم. من از دولت می خواهم به وضع کارم رسیدگی کند، برای ما بیمه، مسکن و حقوق مناسب فراهم کند. ماهیچه در ظاهرات بودیم و حالا که انقلاب پیروز شده، مشکلات فراوانی وجود دارد، گرانی، بیکاری، بر مسکنی

خود گرفتند. کارفرمای شرکت با اطلاع از این موضوع، به ایجاد نفاق و دسیسه چینی بین کارگران پرداخت، از جمله با ستم کردن نمایندگان به کمبوست بودن و... تهدید به اخراج آن ها و انجام سخنرانی های عوام فریبانه ای مبتنی بر این که در کارگاه افرادی هستند که می خواهند در کارها اختلال کنند، و من امیدوارم با کمک شما بتوانم جلوی این اختلالگران را بگیرم»

و غیره. دولت باید به این مشکلات رسیدگی کند... کارگر سالخورده ای می گوید: «من چندین سال است که به تهران آمده ام و مشغول کار هستم، والان که به این پیری رسیده ام هنوز از زندگی چیزی نفهمیده ام، ولی تا آنجا که می دانم، زندگی ما برابر است با درد، رنج و زحمت، دوری از خانواده و هزار بدبختی دیگر... از یکی از کارگران چاه کن (یاقنی) می پرسیم: چند سال است که در کوی چندتا بچه داری و... می گوید: «ناراضی هستم و یک زن و پنج بچه دارم. آنها در ده هستند، نزدیکیهای قوچان. خودم با یکی از دوستانم کارگر چاه کن هستم و هفتی ۹۰ تا ۹۵ تومان چاه می کنیم، ولی خودت بین که زندگی چندین گیلو عرق می ریزیم...»

از آنها می پرسیم اگر دولت بین دهقانهای کمزور زمین، زمین تقسیم کرد، حاضرید به روستاها بروید و کشاورزی کنید؟ عده ای از آنها می گویند: «تبله، حاضریم چون هم خانواده ما و هم خانه و کاشانه ما آنجاست منتسی دولت باید وسایل کار و وام نیز در اختیار ما بگذارد، چون ما جز دستهای خودمان چیزی نداریم.»

عده ای دیگر می گویند: «من نوپه مادرتوران زندگی میکنند و اگر دولت به وضع کارم رسیدگی کند و حقوق کارگر را ساختمانی را تقسیم کند، حاضریم به زمین کار ادامه بدهیم، چون که بالاخره کشور به کارگران ساختمانی احتیاج دارد، چه برای ساختن خانه های دولتی و چه برای کارهای دیگر.»

پایک کارگر پیر صحبت می کنیم، می گوید: «بیشتر قسم اگر دولت به خواستهای ما رسیدگی کند و وضع همه مردم را درست کند، دیگر کسی چه حرفی دارد که بزند، ولی الان از هر کسی چیزی می پرسیم، کلی برات از مشکلات حرف می زنند. باید گرانی، کمبود مواد غذایی، بیکاری و بی مسکنی ازین برود، اگر پنج چهارم در راه انقلاب و امام ازین برود و بشید شوند، مخالفتی ندارم و ضد انقلاب نمی شوم، ولی آخر مشکلات تا موقعی امت را وادار می کند که حرفی نزنیم ولی تا کی دیگر...»

یکی دیگر از کارگران می گوید: «من چندین سال است که کارگرم و به سختی زندگی را می گذرانم. زن و بچه نیز دارم، من می گم شاه که بود طرفدار کلاه نشینا بود و دشمن کوخ نشینا، ولی امام خمینی طرفدار کوخ نشیناست و دشمن کلاه نشینا و امام گفته است مملکت مال کوخ نشیناست، پس چرا دولت با این وضع بد زندگی ما رسیدگی نمی کند، ملاحظه چشم امیدمان به امام خمینی است...»

آری، تمام آنها از درد و رنج و کار و کوشش و زندگی سخت سخن می گویند و می خواهند که دولت به فکر آنها باشد، عده ای خیلی زیادی از آنها هر روز صبح تا شب سرچاپارها با بیاطل کاری می کنند، ولی از کار خبری نیست. آنها سرمایه این مملکت هستند، باید به حقوق آنها رسیدگی کرد، تا آیندای امیدوار کننده داشته، تا آنها هم زندگی انسانی و خوبی داشته باشند و فراد را ایشان دنیای دیگری باشد.

کارگران اجرای سریع اصول اقتصادی مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد ملی کردن رشته های اساسی اقتصاد ملی را طلب میکنند.

مخالفت با اجرای این اصول ضربت به انقلاب ایران و منافع خلق است

کارفرما در کار شورا کارگران شرکت سیلوی تبریز کارشکنی می کند

کارگاه شرکت سیلوی تبریز (شرکت آر. ای. اس.) در جرجیل کیلومتری جاده تبریز به مرند قرار دارد. این شرکت عده دار احداث سیلوی بطرفیت صد هزار تن، برای اداره غله آذربایجان شرقی است. در این شرکت ۲۵۰ نفر کارگر به کار اشتغال دارند. چندی پیش، کارگران بملت نبودن امکانات رفاهی و وسایل ایمنی در کارگاه، تمسیمی به انتخاب شوروا نمایندگانی بمنظور دست یافتن به خواستهای خود، گرفتند. کارفرمای شرکت با اطلاع از این موضوع، به ایجاد نفاق و دسیسه چینی بین کارگران پرداخت، از جمله با ستم کردن نمایندگان به کمبوست بودن و... تهدید به اخراج آن ها و انجام سخنرانی های عوام فریبانه ای مبتنی بر این که در کارگاه افرادی هستند که می خواهند در کارها اختلال کنند، و من امیدوارم با کمک شما بتوانم جلوی این اختلالگران را بگیرم»

تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

۲۱ سال از شهادت رفیق علی علوی گذشت



۲۵ خرداد سالروز شهادت یکی دیگر از رزمندگان توده‌ای است. ۲۱ سال پیش در چنین روزی، رژیم شاه خائن، هیتلر علی علوی، عضو هیئت اجرایی کمیته مرکزی حزب توده ایران را به جوخه اعدام سپرد. هیتلر علوی پس از یورش کودتاچیان ۲۸ مرداد، به جنبش ملی و دمکراتیک ایران پیوست و از همه ریش ازمه به حزب توده ایران، مانند بسیاری دیگر از اعضای، کادرها و رهبران حزب دستگیر شد. رفیق علوی به حبس ابد محکوم شد و در زندان به نبرد با رژیم ادامه داد.

۲۵ خرداد سالروز شهادت یکی دیگر از رزمندگان توده‌ای است. ۲۱ سال پیش در چنین روزی، رژیم شاه خائن، هیتلر علی علوی، عضو هیئت اجرایی کمیته مرکزی حزب توده ایران را به جوخه اعدام سپرد. هیتلر علوی پس از یورش کودتاچیان ۲۸ مرداد، به جنبش ملی و دمکراتیک ایران پیوست و از همه ریش ازمه به حزب توده ایران، مانند بسیاری دیگر از اعضای، کادرها و رهبران حزب دستگیر شد. رفیق علوی به حبس ابد محکوم شد و در زندان به نبرد با رژیم ادامه داد.

ما در مورد وضع فیروز آباد فارس هشدار می‌دهیم

عوامل ضدانقلاب توطئه بزرگی را در فارس تدارک دیده‌اند و در صدد ایجاد کانون تشنج دیگری در کشور هستند.

عوامل ضدانقلاب در فارس توطئه بزرگی را علیه انقلاب ایران تدارک دیده‌اند و در صدد ایجاد کانون تشنج دیگری در کشور هستند. بر اساس اطلاعات رسیده، عوامل ضدانقلاب که از مدتها قبل تدارک توطئه‌های در استان فارس را دیده‌اند، مدتی است که به انحاء مختلف برای سرمد مزاحمت ایجاد می‌کنند. این عوامل با خرابکاری در شهر سرمد قطع برق و آب یروی سرمد، زمینه پیاده کردن نقشه‌های پدیده خود را فراهم می‌کنند.

مردم فیروزآباد روز ۲۲ خرداد، به دنبال درگیری‌های اخیر در منطقه قیر و کارزین کلیه مفاصل و دکنها را بستند و علیه خوانین دست به راهپیمایی زدند. در حال حاضر ارتباط فیروزآباد با سایر نقاط قطع شده و شهر در محاصره است. بطوریکه خواربار و آذوقه به مردم نمی‌رسد. عوامل ضد انقلاب همچنین اقدامات خود را به میان عشایر کشانده‌اند و با تلاش فراوان در صدد فراهم ساختن زمینه برادرکشی در این منطقه هستند.

ما ضمن دادن هشدار در مورد وضع فیروزآباد، از مقامات مسئول می‌خواهیم تا توطئه‌هایی را که برای استان فارس تدارک دیده شده است، هرچه زودتر خنثی کنند و از گسترش درگیریها جلوگیری بعمل آورند.

در مطبوعات کشور

حجت الاسلام سید احمد خمینی: دولت باید حمله کنندگان را به اشد مجازات برساند

حجت الاسلام سید احمد خمینی، پیرامون دوگیری و حوادث روز پنجشنبه گذشته مجدداً در گفتگویی با خبرنگار خبرگزاری پارس اظهار داشت: خیلی دردناک است. واقعا چه باید کرد؟ این موضوع صحبت آن روز بوده است و بجایم هست. آخر شرم ندارد که عده‌ای که اکثر آنها افرادی هستند که آدم دلش برایشان می‌سوزد، توسط عده‌ای تحریک شوند و بجان عده‌ای که می‌خواهند به یک سخنرانی گوش دهند، هجوم کنند. این یا چه منطقی می‌خواند و قابل توجیه است. آخر مگر وزارت کشور، اجازه نداده است؟ مگر تمام مسئولین و غیرمسئولین حلات سابق را به این اجتماعات محکوم نکرده‌اند؟ آیا واقعا محرکین را نمی‌شود شناسایی کرد که قطعاً نظر سوتی دارند؟ چطور اگر مثلا به نماز جمعه حمله‌شده فوراً شناسایی می‌شود و می‌دانید چه کسانی هستند و منزلشان کجاست و چندگرمه هم در منزلشان دارند، بیای آنجا هم دم ندارند و ولی یک واقعه به این مهمی و دردآوری و شرم و خجالت‌آوری را اگر تحت تعقیب قرار دهند، ممکن است تحریک احساسات شود؟ مگر نمی‌گویند که از خودشان هم دخالت دارند، خوب بگویند چه کسی است و یا مجاهدین که می‌گویند ما طرف را می‌شناسیم، بگذارید ببینند در تلویزیون بگویند و اگر ثابت شده شما هم او را بگیرید و جواب خون آن جوان ناکام و کوری آن شخص و زخمی شدن بقیه را بدهید. حزب فقط حزب الله، اگر مناصب زدن است که آبروی الله را بردند. مرگ بر این تفکر، من نمی‌شناسم، اما می‌دانم که این عده انسان‌های خوب، اکثر اموال حتما تحریک می‌شوند و الا بیخود به اجتماعات حمله نمی‌کنند. آیا امام در اکثر مصاحباتش تفرموده‌اند که اظهار عقیده آزاد است. اگر حرف شما حق است، از چه می‌ترسید و اگر حرف مجاهدین خلق حق است خوب گوش کنید. من با این که بعد از آن صحبت (اسام) نتهاست) که همه‌گونه تفسیرشده‌مگونه تحریف، با اینکه واقعا روشن بوده دیگر می‌خواستیم حرفی نزنم و گوشه‌ای خیزد، بپشم، ولی واقعا متانم. آیا امام از این حلات ناراحت نمی‌شوند؟ راستی چرا مسئولین ساکتند؟

از حجت الاسلام سید احمد خمینی سؤال شد: شما معتقدید چه باید کرد که دیگر اینگونه حوادث اتفاق نیفتد؟ ایشان در پاسخ اظهار داشت: بمقیده من در صورت برپایی این سخنرانی‌ها دولت از شهربانی و سپاه استفاده نماید و افرادی را که حمله می‌کنند، دستگیر

در اوج انقلاب ایران، و زمانی که چهره‌های پشت پرده و کارچاق کن‌های امپریالیسم آمریکا، بین واشنگتن، تهران و پاریس در حرکت بودند، تا آنچه را که از «منافع» امپریالیسم، قابل نجات بود، نجات دهند، رمزی کلارک نیز جزو کسان معلودی بود، که هم در تهران و هم در پاریس آفتابی شدند.

آخرین گزارش‌ها حاکی است که هنری کیسینجر، وزیر خارجه دولت نیکسون و صهیونیست مشهور ایالات متحده، طی اظهاراتی در مورد حیات دهنفتری شرکت کننده در کنفرانس بررسی «مداخلات» آمریکا در ایران، اعلام داشته است که این هیات، روی برنامه حساب شده‌ای بایران سفر کرده است و می‌دواری است که نتایج مطلوب از آن حاصل گردد. در عین حال اطلاع می‌رسد که مقامات امریکائی اسناد



(آزادگان، ۲۴ خرداد ۱۳۵۹)

کند و به اشد مجازات برساند. برادران پاسدار بجای تیراندازی همه کوشش خودشان را در دستگیری سران حزب‌اللهی که آبروی اسلام و مسلمین و الله را برده‌اند، بنمایند تا اسلام از لوث وجود این خائنین پاک شود و غیر از این هم راهی ندارد. من بارها گفته‌ام که اندیشه را نه تنها با چماق نمی‌شود تغییر داد که جایش را برای صاحب‌اندیشه محکم می‌کند. اندیشه را با اندیشه باید پاسخ داد. بارها گفته‌ام که اگر زور کار می‌کرده‌شاه، شاه بود، اگر زور می‌توانست حکومت کند هنوز تمام عزیزان ما در زندان‌های شاه مخلوع بودند. برخورد این جنبش، چنان عکس‌العمل کوبنده‌ای دارد که هر کس را نسبت به صاحبان عمل متزجر می‌کند. برادران و خواهران عزیزم، حرف حق دارید، بیایید و بگویند و بحث کنید و اگر حرف دیگران حق است، آنرا بی‌روسی و بی‌چشم‌پوشی بگذارید و اگر باطل بوده نپذیرید. این دیگر دعوا ندارد. تحریک عوامل داخلی و خارجی نشوید. شما مسئول حداقل خون این جوان شهید هستید. من به پدر و مادرش صمیمانه تسلیت می‌گویم. راستی چه کسی باعث کوری چشم یک جوان شده است؟ من حمله به این اجتماعات را خیانت به اسلام می‌دانم.

(اطلاعات، ۲۴ خرداد)

بدون مراعات اصول «دیپلماتیک» اعلام می‌دارد که هرگز گان‌های امریکائی اصلا «دیپلمات» نیستند و خطی که در درون همه‌ی لفاظی‌های سیاسی و دیپلماتیک، نیز در جستجوی «صداقت» برمیاید. خطی که از دشواری‌ها نمی‌هراسد و خطی که کوشش می‌کند از خطوط مشکل برکنار بماند. خطی که خط انقلاب و مداوم انقلاب است، و خطی که تعامل با مردم و سازش از آن چشم می‌خورد. مردم بی‌باخته‌ی مآخروهان پیروی از خط نخستین‌اند، زیرا که وابسته‌اند، گسستن تمامی پهنای راستی است، در گرد پیروی این خط است. پس با تمام نیرو از این خط حمایت کنیم.

(آزادگان، ۲۴ خرداد)

انتخابات آزاد، وعده پوچ ضیاءالحق

دراوج امید و انتظارات مردم پاکستان برای برگزاری انتخابات آزاد و دمکراتیک و رهائی از چنگال نظامیان و استقرار یک دولت ملی و متعصب و خدمتگزار و رهبر مردم و عده‌ای که ضیاءالحق اخیراً برای برگزاری انتخابات داده بود، اکنون از شورش‌های پدولوژی اسلامی پاکستان خواسته‌است که بررسی نماید و آیا انتخابات با طبیعت اسلام مطابقت دارد یا نه، جمله شکفتن آوری است. پرسیده می‌شود که انتخابات با روح و طبیعت اسلام سازگار است؟ هر چند تعجب‌آور است ولیکن ازمصد این کلام که آقای ضیاءالحق است چندان هم درواز انتظار نیست، چرا که او از پنجم ژوئیه که بایک کودتای نظامی قدرت را بدست گرفت و پوتو را برکنار کرده ادعا کرد که حکومت نظامی ناقصی دمکراسی نیست، بلکه عین دمکراسی است و اینطریقاً اسلامی میدانند البته علیرغم داشتن این فکر، اولین اظهارات او این بود که قدرت را دوست ندارد و فقط برای بازگرداندن نظم و آرامش به

توضیح شرکت برق منطقه‌ای تهران در مورد قطع برق مسعودیه

امور اداری وزارت نیرو، شرکت سهامی برق منطقه‌ای تهران، در ارتباط با مطلب منتشر در شماره ۲۳۲ نامه «مردم» تحت عنوان اعتراض اهالی مسعودیه به قطع مکرر برق، توضیحی به تاریخ ۲۲ خرداد فرستاده است، که در زیر می‌خوانید:

«محل فوق‌الذکر از انقلاب طبق شواهد موجود خارج از محدوده بوده و بایک دستگاه ترانسفورماتور هوایی بقدرت ۳۱۵ ولت کیلو آمپر تغذیه می‌گردد. پس از پیروزی انقلاب ما لکن اقدام به تفکیک و فروش زمینهای باین دراین منطقه و در نتیجه ساکنان ساختمانهای ساخته‌شده در این زمینها مبادرت به استفاده غیرمجاز از برق نمودند، واضح است که استفاده از برق به صورت غیرمجاز باعث فشار بر پستهای موجود در محل و قطع مکرر برق خواهند شد. شرکت برق منطقه‌ای تهران لاینقطع با امکانات موجود در صدد رفع مشکلات میباشد که با طرحهای در دست اجرا مشکل ساکنان منطقه منبورد برطرف خواهند شد.»

منتشر شد: مبارزه خلق‌ها علیه امپریالیسم

(تاریخچه‌ای از مبارزات خلق‌های کوبا - خلی - نیکاراگوئه - السالوادور)

این هفته در نامه «مردم» بزبان کردی می‌خوانید:

- ۱- امام خمینی؛
- ۲- آمریکا خیال نکند که با دخالت نظامی، کاری از دستش برمی‌آید.
- ۳- در سالروز جنبش خونین ۱۵ خرداد، مردم یکپارچه و قاطعانه شطر می‌آیند؛
- ۴- مرگ بر آمریکا، دشمن اصلی ما سلام بر خمینی، درود بر شهیدان
- ۵- ۳- اقلیتی از رهبری سازمان چریکهای فدایی خلق، علیه مواضع مثبت و صحیح اکثریت، طغیان کرد.
- ۶- پیام هبستگی ۶۰ سازمان جهانی، منطقه‌ای و ملی جوانان و دانشجویان سراسر جهان، به خلق، جوانان و دانشجویان ایران
- ۷- بیانیه مشترک جوانان و دانشجویان دمکرات ایران و فدراسیون جوانان دمکرات عراق
- ۸- کنفرانس بین‌المللی بررسی مداخلات آمریکا در ایران، در جهت افشای توطئه‌های امپریالیسم علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، پیروزی بزرگی بود.
- ۹- طریق‌الصحب؛
- ۱۰- رژیم بعث عراق، پایگاه نظامی خود را در اختیار آمریکا و ضد انقلابیون فراری ایران قرار داده است.
- ۱۱- وضع بهداشت روستاهای مهاباد
- ۱۲- شعر، داستان و اصطلاحات سیاسی - اجتماعی.

کاخ سید ولایتین کیم خانم حزب توده ایران

ما میخواهیم همراه شما و به کمک شما جشن چهلین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را در خانه حزب برگزار کنیم. برای خریدن و ساختن خانه حزب به کمک مالی شما نیازمندیم. با کمک خود در این جنبش هیبتگی و خلقی شرکت کنید. کمک مالی خود را به نام رضاشلتوکی، شماره بانکی ۸۶۸، بانک ملت ایران (با بانک تهران سابق) شعبه ایرانشهر شمالی بپردازید.

توجه: (۱) پرداخت پول، با ذکر مشخصات فوق، به تمام شعبه‌های بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) ممکن است. (۲) از کمک کنندگان خواهشمندیم فتوکپی فیش بانکی را به آدرس دبیرخانه کمیته مرکزی: تهران، خیابان آذرو، شماره ۶۸ ارسال دارند.

اکبر خ. ازبوشهر	۵۰۰ ریال
حسین مبین دوست ازبوشهر	۱۰۰ ریال
احمد شیروانی ازبوشهر	۱۵۰ ریال
اسفر خلیل‌آبادی ازبوشهر	۱۲۰ ریال
حسین بنیادی ازبوشهر	۱۰۰ ریال
عیاس آقایی ازبوشهر	۱۰۰ ریال
اسفر زنگونی ازبوشهر	۵۰۰ ریال
ز. م. از بوشهر	۱۰۰۰ ریال
رحمان خیراندیش ازبوشهر	۵۰۰ ریال
محمد ع. ازبوشهر	۵۰۰ ریال
علی خ. ازبوشهر	۵۰ ریال
مسین ف. ازبوشهر	۲۰۰ ریال
زهرا ج. ازبوشهر	۲۰ ریال
محمدعلی قتیبه ازبوشهر	۴۰ ریال
سجین ف. ازبوشهر	۲۰۰ ریال

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

در گردهمایی اتحادیه و سندیکاهای کارگران خباز گفته شد: دولت باید سازمان نان بوجود آورد



کارگران خباز: درود بر خمینی، زنده باد اتحاد کارگران ایران...

کارگران خباز:

- ما از تمام مزایای قانونی محرومیم!
- ما هر چه داریم از سندیکا و اتحادیه داریم!
- با نحو طرح تبدیل نانوائیها، از کارگران خباز حمایت کنید!

جلسه عمومی کارگران خباز بنا به دعوت اتحادیه سندیکای کارگران خباز تهران و حومه، به علت عدم حصول شورای سندیکاهای کارگری تهران، با حضور بیش از شصت کارگر خباز، نماینده وزارت کار و تأمین اجتماعی، رئیس شعبه ۱۱ تأمین اجتماعی و نمایندگان وزارت یزرگانی و اداره غله تشکیل شد.

جلسه با شعار: مستحکم باد اتحاد کارگران ایران، رسمیت یافت. در ابتدا رئیس سندیکاهای قانونی تهران پس از تبریک روز پشته، عمل انقلابی حجت الاسلام خلیلی، سرپرست مبارزه با مواد مخدر را در امر ریخته کن کردن سوداگران مواد مخدر ستود و اظهار داشت: «ما کارگران تا آخرین قطره خون خود از این عمل انقلابی حمایت خواهیم کرد»

سپس گرم شافقی، رئیس اتحادیه کارگران خباز، ضمن سخنان خود گفت:

«کارگران خباز از جمله زحمتکش ترین و صبورترین قشر کارگرانند که در تمام فصول سال در شرایط طاقت فرسا در جهت رفاه هموطنان اینچنینی بیگند و از تمام مزایای مندرج در قانون محروم اند. متأسفانه تاکنون کارفرمایان و مجریان قانون از اجرای قانون در مورد کارگران خباز خودداری کرده اند. کارگران نیز با در نظر گرفتن مصالح انقلاب و مملکت، صبر انقلابی پیشه کرده اند، تا اینکه اخیراً با اجرای طرح جدید نان متأسفانه مشکلاتی نیز به همضامات قبلی اضافه شد»

سخنران بعدی احمد مرادی، دبیر اتحادیه کارگران خباز بود. وی اظهار داشت:

«پس از ۳۴ سال فعالیت سندیکائی و مکاتبات مکرر پیرامون خواستهای صنفی بعد از انقلاب طی نامه های مکرر به عنوان مسئولین امر پیشنهادهایی در مورد تشکیل سازمان نان داده ایم. در رابطه با اعلام طرح جدید نان از طرف وزارت بازرگانی، طی چندین تلگراف به مقامات مسئول خواستار آن شدیم که در جلسه تصمیم گیری در مورد نان کارگران مشارکت داده شوند، ولی توجه نشد. همانطوریکه میدانید قبل و بعد از انقلاب همیشه سعی شما و نمایندگان شما بر این بوده است که در سندیکاها خیلی آرا، با صبر انقلابی و هنگام با حرکت انقلابی فعالیت داشته باشیم و همیشه شما زحمتکشان عزیز در سخت ترین و امید به آینده شده اید، شما زحمتکشان عزیز در سخت ترین لحظات انقلاب و در اوج حکومت نظمی که اعتصاب سرتاسری بود، نان تهیه میکردید. یک روز کار را تنگ نکردید و در هیچ محل کمبود نان نبود. در صورتیکه همه چیز کم بود. چون میخواستید و میخواهید پس از آرامش و ترویج قوانین انقلابی و اسلامی به خواستهای خود دست بیاورید. کارگر نانوا همیشه در زحمت است، نه تعطیل دارد نه استراحت، نه ساعت کار دارد نه بهداشت و از هیچیک از مواد قانون کار حتی الفبای آن، یعنی تعطیل جمعه، ساعت کار، مرخصی سالانه، تعطیلات رسمی، هزینه مسکن، کمک خواربار، سودویزه و غیره استفاده نمیکند. و از طرفی هم تمام اجحافی که از طریق فروش نان ب مردم تحویل می شود، بگردن کارگران میاندازند و کارفرمایان میگویند دستمزد گران است، کار نمیکنند، بیمه میخواهند، تعطیل میکنند و غیره... وقتی اعتراض میکنیم، میگویند: ای کارگر تمام خواسته های بحق و قانونی است؛ ولی تعدادیم بدیم. بروید شکایت کنید و حق خود را بگیرید»

کارگر خباز موجود است بخاطر اینکه کارش از دست نرود و با هیولای یکاری دست و پنجه نرم کند، هر چه را بعنوان مزد روزانه باو میدهند بگیرد. پس از مدت ها فعالیت در سال ۵۶ توانستیم برای کارگران واجد شرایط هر ششده یکبار از شرکت تعاونی نانوائیان کمک عائله بندی بگیریم. ولی اخیراً دست اندر کاران فعلی تعاونی نانوائیان میگویند: کمک عائله بندی را بروید

خلاف گفته هایمان در جائیکه کمبود نان احساسی میشد نتوانستید عرضه نان را اضافه کنید، مگر با فروش آن توسط دوره گرد، که آنهم غیربهداشتی عرضه میشود!

ما با صدای بلند فریاد میزنیم کمبود نان و مشکلات نانوائیان فقط با تشکیل سازمان نان مثل سازمان آب و برق و شرکت واحد برطرف میشود. کارگران یکسدا فریاد زدند: درست است، درست است.

مرادی در دنباله سخنان خود افزود: «یک نانوا طبق ضوابط قانون میتواند شغل خود را تغییر دهد، ولی تکلیف نان آن محل چه میشود؟ تکلیف کارگری که در اثر تبدیل نانوائی بیکار میشود چیست؟ مردم نان میخواهند و دولت مسئول تأمین نان مردم است. اگر سازمان نان تشکیل شود تمام مشکلات بخوبی حل میشود. دوستان کارگر بپوش باشند، سندیکا را فراموش نکنید، با ما در تماس باشید. ما صدای شما را به گوش همه میرسانیم. در اثر اتحاد است که ما میتوانیم بحق خود برسیم. اگر سازمان نان تشکیل نشود و مسئولین امور تعاونی دست از کار خود برندارند آنگاه با دعوت تمام کارگران خباز کشور یکسدا فریاد میزنیم: ای امام، ای ملت ایران ما را دریابید که دستپاچی ما را به نابودی میکشاند... ما امروز اعلام میکنیم بشناسید آن کسانی را که با سرنواخت ما دارند بازی میکنند و فردا نرسید چه کسی تحریک کرد و یا مقصر اصلی کیست؟

مجدداً یادآور می شویم ما کارگران از دستمزد تعطیل جمعه، از مرخصی سالانه، تعطیلات رسمی، ساعت کار، کمک خواربار، هزینه مسکن استفاده نمیکنیم. کمک عائله بندی و لیست بیمه هم که داشتیم دارند از دست ما میگیرند. کار ما را دارند از دست ما میگیرند. پای زندگی ما در کار است... تا به امروز بخاطر تداوم انقلاب کوتاه آمدیم. امروز امیدواریم به کارگران توجه بیشتری شود»

درد برهبر کبیر انقلاب، امام خمینی، سخنرانی مرادی با ابراز احساسات کارگران خباز درود شد و یکسدا فریاد میزدند: درود بر خمینی، مستحکم باد اتحاد کارگران ایران

سپس قطعنامه اتحادیه و چهار سندیکای کارگران خبازی... های استان تهران توسط صفائی در چهار ماده قرائت شد، که همگی کارگران خباز حاضر در جلسه تمامی مفاد آنرا تصویب کردند. در قطعنامه ضمن ابراز پشتیبانی از رهبری امام خمینی و حمایت از انقلاب و آمادگی برای هرگونه اینار در مبارزه ضد امپریالیستی آمده است:

«ما کارگران خباز خواستاریم که در تمام مراحل تصمیم گیری در امور کارگری مانند تدوین قوانین کار و تأمین اجتماعی و آیین نامه های مربوطه خصوصاً در مسائل مربوط به امور نان مشارکت و نظارت داشته باشیم»

«ما کارگران خواستاریم که از هرگونه تبدیل نانوائیها که موجب بیکاری کارگران خباز میشود جلوگیری بعمل آید، «ما کارگران خباز خواستاریم از فضای انقلاب اسلامی بیشتر بهره مند گردیده و برخلاف گذشته که مورد استثمار قرار می گرفتیم، در برابر آخرین دستمزد که دریافت می داریم، بیمه شویم تا در زمان پیری و نانوائی و بیماری قادر باشیم زن و فرزندان خود را شرافتمندانه اداره نماییم»

«ما کارگران خباز ضمن تشکر از مسئولین اجرایی سازمان تأمین اجتماعی خواستاریم که جهت دریافت لیست صحیح و وصول حق بیمه از کارگاههای خبازی بنظور استفاده بهتر کارگران با نظارت سندیکای مربوطه اقدامات لازم را معمول و تصمیم جدی تری اتخاذ فرمایند»

«ما کارگران خباز از دولت جمهوری اسلامی خواستاریم ترتیبی اتخاذ فرمایند که ما هم بتوانیم برابر قانون از تعطیلات جمعه، مرخصی سالانه، تعطیلات رسمی، هزینه مسکن، کمک خواربار استفاده نماییم. ما کارگران خباز خواستار طرح دولتی شدن نان می باشیم»

پس از قرائت قطعنامه، نماینده شرکت تعاونی آرد و نان سخنانی ایراد کرد و برخی از مشکلات کارفرمایان را برشمرد و از کارگران خواست که نمایندگان واقعی خود را بشناسند و آنان را به مقامات معرفی نمایند. سخنانی که برای کارگران خباز حالت چسبگی و حمایت از کارفرمایان و ایجاد نفاق داشت، با اعتراض شدید کارگران خباز مواجه شد و تسبیح از کارگران خباز به مقام جوابگوئی برآمدند. کارگران یکسدا از نمایندگان خود پشتیبانی کردند.

این مراسم با شعار درود بر خمینی، و مستحکم باد اتحاد همه کارگران ایران، پایان یافت.

پس از اتمام مراسم، خبرنگار نامه «مردم» با چندتن از کارگران خباز مصاحبه ای بعمل آورد. کارگران به خبرنگار ما گفتند:

سندیکا تا به امروز توانسته است ما را مشکل کند، کمک عائله بندی دریافت دارد، با کارفرمایان که درصدد اجحاف به ما هستند مبارزه کند. ما هر چه داریم از همین سندیکاها و اتحادیه داریم. اگر سندیکا نتوانست برخی از خواستهای ما را جامه عمل بپوشاند، صرفاً بخاطر خرابکاری و دسیسه مسئولان و طبوئیان بود، ما همگی خواستار تأسیس سازمان نان هستیم. اگر سازمان نان تشکیل شود، با توجه به سندیکا و اتحادیه ای که داریم، میتوانیم به حقوق قانونی خود دست بیاوریم. کارفرمایان با سبجه آرد که از دولت دریافت میدارند، مقدار کمی از آن را صرف تولید نان روزانه مردم میکنند و هم بیشتر بقیه را به نان شیرمال و روغنی که هم مصرف میکنند و هم قیمت بیشتر و سود فراوان برای کارفرمایان دارد، تبدیل میکنند. ما تحت تمامی خواست خود را در ایجاد سازمان نان میداریم.

تشکل صنفی و سیاسی طبقه کارگر ایران ضرورت تاخیر ناپذیر مرحله کنونی انقلاب ایران، و وثیقه معتبر تأمین خواستهای اجتماعی، رفاهی و سیاسی طبقه کارگر است. طبقه کارگر متحد همه چیز، طبقه کارگر متفرق هیچ چیز



دبیر اتحادیه کارگران نانوا: دمای زندگی ما، در میان است. ما صبر کرده ایم، باید اینک به کارگران توجه شود»



کارگر خباز: سندیکا تاکنون توانسته ما را مشکل کند، برای ما کمک عائله بندی بگیرد»

در کارگاه از خود نانوا بگیرد، شما اگر حتی دارید بروید از بیمه بگیرد... ما می برسیم: کارگر چگونه به سازمان تأمین اجتماعی مراجعه کند و بگوید کارفرما حق بیمه ما را نپسند و کمک عائله بندی را نمیدهد و تو ای بیمه گر از حق بیمه کارگران منصفی دیگر خرج ما کنی؟ آیا این سوء استفاده نیست که پول بیمه کارگر در جیب کسی دیگری باشد، آنوقت از صندوق و بیت المال خرج ما شود؟

خلاصه این دهمزایا، یعنی کمک عائله بندی و لیست بیمه که در واقع سرنواخت حیات کارگر و فرزندان و آینده او در زمان کهنوت و بازنشستگی به آن بستگی دارد، از دستشان گرفته میشود.

ما از دست اندرکاران فعلی شرکت تعاونی نانوائیان سوال میکنیم: آیا حرکت شما که اینطور کارگران محروم نانوائی را تحریک می کنید و به آنها فشار می آورید در عمل کمک به خدا انقلاب نیست؟! آقایان مسئولین امور تعاونی آنچه را که دارید، حق ندارید از ما بگیرید... نازه آقای وزیر بازرگانی و چند نفر نا آشنا به کار نانوائی، در مصاحبه تلویزیونی میگویند، در گذشته تبدیل نانوائی از نوعی به نوع دیگر، ممنوع بود، ولی ما آنرا آزاد کردیم... عجب شهاها انتظار دارید که یک شاطر چهل یا پنجاه ساله سنگینی ظرف چند روز فوراً شاطر لوانش زمینی از کار درآید؟ چرا با تبدیل نانوائی بر صف بیکاران اضافه میکنید؟! شما بر-

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمتها و جلوگیری از غارت سرمایه داران بزرگ، دلالتان و محترمان است



وزیرش

رکورد جدید برای وزنه برداری جهان در مسابقات قهرمانی وزنه برداری شوروی، ویکتور نایف وزنه بردار اتحاد شوروی رکورد جدیدی را برای جهان در وزن ۱۰۰ کیلو بدست آورد.

نایف در جریان این مسابقات موفق شد که وزنه ۱۸۲/۵ کیلو را بالای سر برد و ۵۰۰ گرم رکورد قبلی جهان را بهبود بخشید. رکورد قبلی جهان نیز متعلق به خود نایف بود.

رکورد دو ۸۰۰ متر زنان جهان شکسته شد

در جریان مسابقات دوومیدانی مسکو، رکورد ۸۰۰ متر زنان جهان توسط نازدال اوژارنکو دوخته اتحاد شوروی شکسته شد.

اوژارنکو ۸۰۰ متر را در دقیقه ۵۳ و ثانیه ۵۸ و ۵۸ دهم ثانیه دروید، که این رکورد ۹ صد ثانیه سریعتر از رکورد سابق دنیا است.

رکورد قبلی متعلق به ناتالیا کازانکینا، دوخته معروف اتحاد شوروی بود، که در جریان بازیهای المپیک مونتس آل بدست آمده بود.

از انتشارات حزب توده ایران

منتشر شد

وضع طبقاتی جامعه ایران

گروه های سیاسی پرسش و پاسخ

نورالدین کیانوری

سو میکو دختر هیرو و شیمایی

نوشته رمان کیم

ترجمه از رفیق شهید

خسرو روزبه

نام مَرُوم
ارگان مرکزی حزب توده ایران
دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر یزدادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
تلفن: ۹۳۳۳۴۵۹-۹۳۵۷۲۸
شماره تلکسی: 214081 TPI IR
چاپخانه تهرانی

MARDOM
No. 258
15 June 1980
Price:
West - Germany 0.80 DM
France 2 fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 350 L.
USA 50 Cts.
Sweden 1.50 Skr.